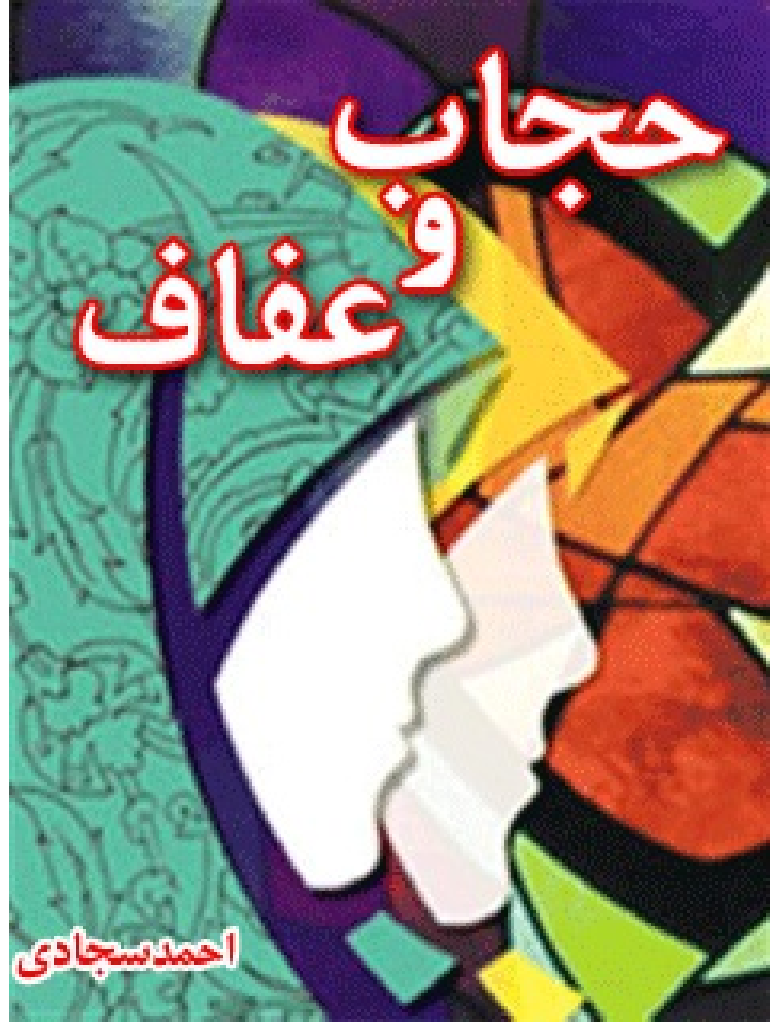


سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا
نور فاطمہ زہرا



کتاب خانہ دیجیٹل
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حجاب و عفاف

نویسنده:

احمد سجادی

ناشر چاپی:

بنیاد قرآن و عترت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	حجاب و عفاف
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۸	پیشگفتار
۹	بخش اول : تاریخچه بی حجابی
۹	اشاره
۱۰	در غرب
۱۱	سرمایه داری و حجاب
۱۲	فرویدیسم و حجاب
۱۳	در افغانستان
۱۳	در ترکیه
۱۳	در ایران
۱۴	تفاوت‌های زن و مرد
۱۴	اشاره
۱۵	قرآن و حجاب
۱۷	انگیزه های ترک حجاب
۱۷	اشاره
۱۷	۱- بی توجهی به حساسیت جنسی مردان
۱۸	۲- سست عنصری و بی مبالاتی
۱۹	۳- آزادی خواهی
۲۰	۴- تصور اینکه حجاب مانع کار و تلاش است
۲۱	۵- تقلید کورکورانه «غربزدگی»

۲۱	۶- حس خودنمایی و سرشناسی
۲۲	پیامدهای ناگوار خود آرائی و خودنمایی
۲۲	اشاره
۲۲	۱- از بین رفتن هویت انسانی بانوان
۲۳	۲- اضمحلال نیروی جوانان
۲۴	۳- سست شدن بنیان خانواده و ازدیاد طلاق
۲۵	۴- عواقب زیان بار و عقوبت های دردناک
۲۶	پوشش پسندیده
۲۶	اشاره
۲۷	چنداستفتاء ۱

حجاب و عفاف

مشخصات کتاب

سرشناسه : سجادی، احمد، ۱۳۴۳ - عنوان و نام پدیدآور : حجاب و عفاف/تالیف احمد سجادی. مشخصات نشر : تهران: بنیاد قرآن و عترت ۱۳۸۶. مشخصات ظاهری : ۸۳ ص. شابک : ۹۷۸۹۶۴۹۹۴۱۳۶۳ وضعیت فهرست نویسی : فیبا یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع : حجاب. شناسه افزوده : بنیاد قرآن و عترت. رده بندی کنگره : ۱۷/۲۳۰BP/س ۳ح ۳ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۶۳۶ شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۹۶۷۶۴

مقدمه

(وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَى أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمُنُهُنَّ أَوِ الْبَعِينِ غَيْرِ أَلَى الْأَرَبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الْطِفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) و به زنان مؤمن نیز بگو چشمان خود را از شرمگاه های دیگران فرو بندند، شرمگاه های خود را نیز از دید دیگران بپوشانند، زیبایی هایشان را جز آنچه خود نمایان است آشکار نسازند و اطراف مقنعه خود را بر سینه خویش ببندارند تا سینه شان را بپوشانند اگر به آنان بگویی قطعاً چنین خواهند کرد و زیبایی های خود را آشکار نسازند جر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان همکیش خود یا بردگانی که مالک آنها شده اند یا مردان سفیهی که سرپرستی دارند و شهوت جنسی ندارند یا کودکان نابالغی که بر اندام خاص زنان چیرگی نیافته اند. و زنان نباید پاهایشان را بر زمین بکوبند تا زیورهای که پنهان می دارند معلوم شود. ای مؤمنان، همگی با پیمودن راه خدا به سوی او باز گردید، باشد که سعادت مند شوید. سوره نور/ آیه ۳۱ - حجابی که اسلام قرار داده است برای حفظ ارزشهای شما است ۱۰ امام خمینی (ره). صحیفه نور ۱۹ ص ۱۲۱ - حجاب ارزشی است منطبق با طبیعت انسان ۰ مقام معظم رهبری (مدظله العالی) ۱۳۷۷/۰۴/۲. اسلام بعنوان مترقی ترین آئین آسمانی که فتح قله های فضیلت و رساندن بشر خاکی به حد اعلای انسانیت و معنویت را هدف خود معرفی می نماید ؛ برنامه ای جامع را در تمام ابعاد وجودی انسان تبیین نموده است تا در سایه- سار آن فرد و جامعه از گزند مفساد و انحرافات رهایی جسته، با انجام دستورات آن به سر منزل مقصود نایل آید ۰ این برنامه از سوی حکیمی نازل گشته است که خالق انسان است و از هر کس به نیازمندیها و ضعفهای او آشنا تر است و لذا برنامه هایش کاملاً منطبق با دو بعد روح و جسم انسان است ۰ و از سوی دیگر این برنامه ها با آنچه عقل سلیم می یابد و می فهمد سازگارند به نحوی که کسی که از عقل سلیم برخوردار است آنها را می پسندد و سر اطاعت در مقابل این دستورات فرو می آورد ۰ یکی از صفتهای انسان تحریکات شهوانی و امیال نفسانی اوست که کرامت انسانی زن و مرد را نشانه رفته است و در این میان زنان بیش از مردان در معرض خطر واقع شده اند، آمارها و حوادثی که هر از گاه در مجلات و روزنامه ها در سراسر جهان منتشر می گردد قلب هر انسان بیدار و بینایی را به درد می آورد بویژه استفاده های ابزاری و تبلیغاتی از زن، این موجود شریفی که تربیت کننده مصلحان روزگار بوده است را به کالایی کم ارزش مبدل نموده و مفساد ناشی از آن جامعه انسانی را به قهقرای حیوانیت کشانده است. کدام فرد بیدار و مسئولیت پذیر است که خطرات ناشی از بی بند و باری را مشاهده کند، ولی نسبت به روح و جسم خویش بی تفاوت باشد؟! کدام چشم تیز بینی است که نگاههای دوستان ابلیس را ببیند و دست دوستی به سوی آنها دراز کند؟ خداوند مهربان جهت تعدیل و جلوگیری از انحراف فرد و جامعه برنامه سراسر عقلی

و فطری حجاب و عفاف را تدوین نموده است تا با عمل به آن از این قوه سرکش و شیطانی فرشته ای حیات بخش به فرد و جامعه هدیه نماید. ما در بنیاد قرآن و عترت تلاش نموده ایم با یاری خداوند متعال به تبیین جایگاه و اهمیت حجاب و عفاف پردازیم. از این رو شما خوانندگان عزیز را به مطالعه دقیق کتاب پیش روی فراخوانده و صمیمانه در انتظار در یافت نظرات سودمند شما هستیم

• بنیاد قرآن و عترت - مؤسسه تولیدات

پیشگفتار

زن در تاریخ زندگی بشر سرگذشتی عجیب و پرماجرا دارد. او همیشه دستخوش امیال و هوسهای قدرتمندان و بازیچه دست بوالهوسان بوده است. آزاری که این موجود عالی الهی از دور افتادگان از مکتب انبیاء تحمل کرده آنچنان سخت و ناگوار است که مطالعه آن هر انسان با وجدانی را از شدت تأسف و شرم به لرزه وامی دارد. آنان در مورد زن بر این اعتقاد بودند که: زن وسیله ای برای اداره زندگی مرد است که چون دیگر وسائل در اختیار مردان گذاشته شده؛ وظیفه او تهیه اسباب خوشی و هوسرانی مرد و زائیدن فرزند برای اوست. خواندن و نوشتن را برای او ممنوع می دانستند؛ و تعلیم و تعلم و فهمیدن را برای زن خطرناک می پنداشتند. در بعضی از ممالک کار تفریط در این باورها به جایی رسیده بود که می گفتند: «زن را باید مانند دهان سگ دهنه بند زد» و می گفتند: «روح او از روح ملکوتی خدا جداست». در آفریقا زن حکم کالا- و ثروت را داشت و برای مرد بمنزله گاو و گوسفند بود، هرکس زن بیشتری داشت در حقیقت ثروتمندتر بود. خرید و فروش زن و به کار گرفتن او برای شخم زدن زمین امری عادی بود. در کلد و بابل زن را مانند سایر کالاهای فروختند و هر سال بازاری برای این کار داشتند که دختران به سن ازدواج رسیده را در آن بازار به معرض فروش می گذاشتند. در هندوستان دختر را از سن پنج سالگی شوهر می دادند؛ و از آن پس حیات و هستی او را طفیل حیات مرد می دانستند، و گاهی او را با جسد شوهر مرده اش یکجا می سوزاندند. در ایران باستان حق مالکیت زن تنها معادل بیست من جو بود و هیچ حق دیگری نداشت. در یونان قدیم - که مهد تمدن بشری خوانده شده است - اگر زنی سه بار پشت سر هم دختر می زائید، به اعدام محکوم می شد، و به چوبه دار آویخته می شد. در عربستان پیش از اسلام، زن پست ترین مخلوق بود، و اصولاً دختر ننگی بود که دامنگیر پدر می شد؛ که نمی دانست بار سنگین این ننگ را به دوش کشد، یا او را زنده به گور کند. زن در جاهلیت از ارث و تمام حقوق محروم بود و با مرگ شوهرش مانند سایر اموال به ارث می رسید؛ و پسر بزرگ اختیار داشت که زن پدر را برای خود نگه دارد یا به دیگری ببخشد. این مسائل گوشه ای از وضع زن در دنیای پیش از اسلام بود. با طلوع خورشید اسلام و نشر معارف الهی هویت انسانی زن و کمال معنوی او به جامعه معرفی شد. و اسلام عزیز ضمن مبارزه با تمامی خرافات و ظلمهائی که به زن روا داشته می شد، حقوق زن را تثبیت کرد، و به رسمیت شناخت، و برنامه ای را برای زندگی زن ارائه نمود تا ارزش های والای خود را بازیافته، و دامنش مهد تربیت انسانهای پاک و والا گردد. اسلام برای زنان جهان الگوئی معرفی نمود که خاک زیر پایش توتیای چشم مردان جهان است؛- به گونه ای که امام زمان علیه السلام او را اسوه خود می داند.- فاطمه زهرا علیها السلام که در شرف و عزت و عظمت یگانه بود- با سرمایه عمر گرانبهایش معنای واقعی انسانیت زن را به تصویر کشید. اسلام زن را از بند استعمار مردان رها ساخت؛ و معنای انسان بودن و انسان زیستن را به زنان جهان آموخت، و حد و حریمی برای زندگی او ترسیم کرد، تا در پرتو آن، استعداد شریفش، دستخوش امیال سودجویان و هرزگان نباشد. در پرتو این تعالیم روح بخش، زنانی تربیت شدند- که هم از بند اسارت مردان رها بودند، و هم از زنجیر اسارت هوای نفس زنان پاکدامن و منزله از هر آلودگی و آراسته به زیور تقوی، همراه با شجاعت و صلابت و توأم با اخلاق و رفتاری شایسته، ایشان فرزندانی را در دامن پاک خود پرورش دادند که هر کدام توانستند ترسیم کننده مفهوم انسانیت در محیط خویش باشند؛ و تا چند قرن (پس از ظهور اسلام) میوه ها و ثمرات شیرین این تربیت صحیح الهی عائد ملت های اسلامی بود. و در قرون اخیر- پس از انقلاب صنعتی- با

تأسف شدید آن سیر صعودی متوقف گشت؛ و دوباره سیر سقوط از سر گرفته شد، سودجویهای مردان بیگانه با دین و بعدها سیاستهای استعماری مستکبران، زن را به مسیری سوق داد که از سقوط اولیه اش بمراتب تأسف بارتر است. اگر پیش از اسلام، زورگویان، زن را به بردگی می گماردند، و جسم او را تحت فشار ظلمهای خود قرار می دادند؛ در قرون اخیر، پندارهای دین گریز و دنیاگرا و رفتارهای - بقول معروف - متمدن، روح و روان او را نشانه رفتند و حیثیت و انسانیت او را هدف قرار داده اند. - و با این تفاوت که در قرون گذشته با قدرت قهر و غلبه به این خواسته ها می رسیدند و در قرون اخیر با سلاح تبلیغات، خود زن را داوطلبانه به میدان کشیده اند. - زن در این قرون تنها به عنوان ابزاری در دست مستکبران و سودجویان و پرکننده خلأهای آنان بکار گرفته می شود. گاهی برای ایجاد رخنه در میان صفوف مستحکم ملتی، مأمور به آرایش و خودنمایی می شود، تا انسانیت و مفاهیم مقدس را در آن اجتماع تحت الشعاع شهو ترانی و عیاشی قرار دهد. گاه برای فریب افراد ساده لوح مأموریت می یابد تا ضمن عشوه گری و طنازی به دل او راه یافته و در خانه او قدم گذارد؛ و آنگاه اهداف از پیش تعیین شده مستعمران را املاء نماید؛ و مذهب و مکتبی جدید، برای برهم زدن صفوف استوار مسلمین تأسیس نماید. گاه مأموریت می یابد تا عریان و نیمه عریان در صحنه های محرک تئاتر و سینما و تلویزیون نقش ایفا کند؛ تا بازار فیلمهای شرکتهای بزرگ تجاری غربی را رونق بخشد. گاهی مقرر می شود تصویری برهنه وسیله تبلیغ کالا و نشان مرغوبیت آن باشد. و به بهای پایمال شدن شرف، عفت، پاکی و وقار زن، منافع استعمارگران و ستمکاران و صاحبان شرکتهای و بالاخره شهوترانان و بوالهوسان، تأمین گردد. وجه تمایز این دوره از دوره های پیشین ستم بر زنان، این است که، خود زن نقش بزرگی را در این راستا به عهده گرفته است. اگر ستمگران از او بهره می جویند او نیز با قبول ستم، زمینه را برای آنان فراهم می آورد. او نقش ابزاری زن را خوش باورانه پذیرفته و صمیمانه به آن تن داده و زمینه سوء استفاده ها را فراهم نموده است. صیاد پی صید دویدن عجیب نیست صید از پی صیاد دویدن عجیب است این از ویژگی های دوره حاضر در مورد ستم بر علیه زن است که جز با بیدارگری او پایانی نخواهد داشت. نوشته حاضر در پنج بخش بدین منظور تهیه شده که آگاه کننده و هشدار دهنده ای برای جاهلان و غافلان باشد، آنان که صمیمانه شعارهای توخالی را باور می کنند؛ و ساده لوحانه به تبعیت از خودباختگان می پردازند، و آرایش و خود آرائی و خودنمایی را کمال مطلوب پنداشته اند، غافل از اینکه این راه جزشی تیره و تار و ظلمانی برای زن و جامعه در پیش نخواهد داشت.

بخش اول: تاریخچه بی حجابی

اشاره

از آنجا که پوشش، لازمه طبیعی و مقتضای فطرت زنان بوده است، آنها از بدو آفرینش حجاب را پاسخی به ندای فطرت خویش می دانسته اند، چنانکه مردان به اقتضای خلقت خویش گونه ای از پوشش را لازم می شمردند. قرآن مجید در داستان حضرت آدم به ضروری بودن مسئله پوشش اشاره دارد. در این داستان هرچند از چگونگی پوشش، سخنی ایراد نشده است، اما بی شک نشانه ای برای شخصیت و احترام آدم و حوا به حساب آمده است. دلیل مطلب آن است که پس از نافرمانی پوشش از اندامشان فرو ریختند، و هنگامی که خود را برهنه یافتند، بلافاصله از برگهای درختان بهشتی برای پوشاندن اندام خود استفاده کردند. این داستان قرآنی به خوبی وضعیت طبیعی انسان را روشن می کند که پوشش را امری اجتناب ناپذیر در زندگی خود می دانسته است و به مقتضای فطرت و طبیعت خود، از آن بهره می جسته است. شاهد این سخن آیه ۲۷ سوره اعراف است که می گوید: يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا. «ای فرزندان آدم! شیطان شما را فریب ندهد، آن چنان که پدر و مادران را از بهشت، بیرون کرد، و لباس آنها را از تنشان جدا ساخت». بنابراین می توان تاریخچه پوشش را مقارن تاریخچه

موجودیت انسان دانست. بر این اساس باید مبدا برهنگی و بی حجابی را که برخلاف مسیر طبیعی و فطری او بوده است، و از ناحیه شیطان بر او تحمیل شده است، را جستجو کرد و تاریخچه ای از آن بیان نمود. با مطالعه تاریخ زن متوجه می شویم که بدن نمائی او بطور مقطعی و محدود در زمانهای بسیار دور نیز به منظور هدفهای شوم وجود داشته است. همانطور که در مورد علت شکست سپاه حضرت موسی علیه السلام، در شهر انطاکیه آمده است؛- که وقتی سپاه موسی به کنعان رسید آن حضرت یوشع و کالب را برای اعلام جنگ نزد زورمندان فرستاد- زور گویان و ستمگران نزد بلعم باعورا آمده و از او طلب راهنمایی کردند. آخرین حيله ای که بلعم پیشنهاد کرد این بود که: « زنان و دختران خود را آرایش کنید و آنان را بعنوان فروشنده اجناس بداخل سپاه موسی بفرستید تا خود را به سپاهیان عرضه کنند» و اضافه کرد: « اگر یک نفر از آنان مرتکب زنا گردید شکست آنان حتمی خواهد بود». آنان نقشه را عملی کردند؛ و سپاه عظیم موسی که به عیاشی و شهوترانی مبتلا شده بود شکست خوردند ۱. نظیر این مطلب در داستان شکست مسلمانان اندلس مشاهده شده است دشمنان اسلام برای نفوذ در صفوف مسلمانان، نقشه برهنگی زن را طراحی کردند، و اجرای برنامه های خود را به عهده او گذاشتند؛ و به همین وسیله توانستند آنجا را پس از هشت قرن سلطه اسلام از اختیار مسلمانان خارج کنند ۲. ۱) تاریخ طبری، ج ۱، ص ۳۰۸. ۲) اندلس که امروز اسپانیا نامیده می شود هشت قرن در اختیار مسلمانان بود و زمانی که اروپا در حالت توحش قرون وسطائی می زیست، مسلمانان، اسپانیا را به اوج تمدن و دانش رساندند و آنجا را به متریقی ترین شهرهای دنیا تبدیل کردند و زمینه رشد علمی اروپا را فراهم کردند. زمانی که مسیحیان خواستند اسپانیا را از تصرف مسلمانان خارج سازند انتشار فساد و رواج مشروبات الکلی و بی بند و باری را بهترین راه دانسته و به همین جهت توانستند بر مسلمانان پیروز گردند و اسلام هشتصد ساله را از اسپانیا ریشه کن کنند. همانگونه که یکی از علت های مهم شکست فرانسه در مقابل آلمان را نیز گسترش فساد و بی بند و باری و شهوترانی دانسته اند ۱. این موارد و مواردی نظیر اینها در گوشه و کنار جهان در زمان و مقطعی خاص و برای رسیدن به اهداف ویژه ای رخ می داده است. ولی در هر بار، فطرت پاک زن دوباره فرصت بروز و مجال شکوفایی می یافت؛ و مجدداً وقار و عظمت خود را در قالب زندگی دور از هرگونه آلودگی و فساد پیش می گرفت. اما آنچه بعنوان یک حرکت دامنه دار و مستمر پیرامون بی حجابی در جوامع رخ داده و هنوز ادامه دارد- که میوه های تلخی را برای بشریت همراه داشته است- سابقه چندانی ندارد؛ و بیش از چند قرن از آن نمی گذرد. ----- (۱) فلسفه حجاب، ص ۶۹.

در غرب

در اروپا اولین قدم در بی حجابی زنان در عصر رنسانس و در فرانسه برداشته شد. در تمدن جدید غربی که حدود پنج قرن است خودنمائی کرده- خدا از صحنه زندگی غایب شده و در کلیسا عزلت گزیده است؛ در این دوره پایه های اعتقاد به معنویت بر اثر انقلاب ضد کلیسائی دستخوش دگرگونی گردیده، و استخوان بندی فرهنگ و تمدن غربی، یک استخوان بندی مادی شده است. تاریخ پنج قرن اخیر غرب، تاریخ نفی ارزشهای معنوی متعالی است؛ در فرهنگی که اکنون بر آن دیار حکومت دارد انسان دیگر موجودی نیست که حامل « روح الهی » باشد. در این تمدن انسان هیچ فرق بنیادی با حیوان ندارد. البته هر حیوانی ویژگی مخصوص به خود را داراست، و انسان هم در « باهوش بودن » ویژگی یافته؛ و با هوش خود به علم و تکنولوژی دست پیدا کرده؛ و بر طبیعت مسلط گشته است. اما آغاز و انجام کار او هیچ فرقی با سایر حیوانات ندارد. او هم چند سالی در طبیعت زندگی می کند و می میرد و دیگر هیچ. در چنین فرهنگی، تمام فرصت انسان همین فاصله کوتاه از تولد تا مرگ است؛ و او ناچار باید قبل از فرا رسیدن مرگ، بیشترین لذتها را در محدوده مادیت کسب کند. و یکی از چیزهایی که می تواند لذت حیوانی او را تأمین نماید « تن انسان » است. بدین جهت لباس که پیش از آن برای حفظ از سرما و گرما و در جهت عفت و شرم و در راستای تأمین آراستگی و وقار بکار می رفت، وسیله ای برای تبرج و جلب نظر دیگران تلقی شد؛ و از آن به بعد لباسهای تنگ؛ چسبان و کوتاه به بازار آمد.

زن که در این فرهنگ، ارزشی جز تن ندارد، همه موجودیت او اینست که او را ببینند و او را با نگاه خریداری ارزیابی کنند. لباس، دیگر برای پوشش تن نیست؛ بلکه برای آرایش اوست. بنابراین باید لباس او تنگ باشد؛ تا همچون لعاب نازکی روی جسم او کشیده شود و خصوصیات جسمانی او را محو کند. باید کوتاه و با رنگهای جالب توجه باشد؛ تا نگاه هر رهگذری را به خود جلب نماید. آنچه مدل لباس را تعیین می کند روانشناسی جنسی است تا بتواند رابطه «جسم و چشم» را تحکیم بخشد. از سوی دیگر این دگرگونی فرهنگی همراه با قدرت و سلطه و عقده های جمع شده در انقلاب ضد کلیسائی خود را نمایان کرد. این انقلاب هر چند بعدها تا اندازه ای مهار شد، ولی در ابتدا همچون سیل بنیان کن به جان تمام ارزشهای موجود جامعه افتاد، و آنچه تا آن روز زشت و ناپسند تلقی می شد، رواج یافت. انقلابی لجام گسیخته، ناشی از محرومیت های گذشته بدون تفکر و تعقل، آبادها را به جرم اینکه در زمان کلیسا وجود داشته ویران کرد. حکومت انقلابی به ریاست روبس پیر، انقلابی ترین جنبه خود را در اصلاحات فرهنگی و اجتماعی شدید نمودار ساخت. روبس پیر اعلام کرد: «ما در کشور خود می خواهیم تمام فضائل و معجزات جمهوری را جانشین تمام نقائص و خرابیهای سلطنت کنیم». وقتی روبس پیر می گفت «تما می» منظورش «تمامی» بود،- لباس، هنر، تفریح، تقویم و مذ هب- جمهوری فضیلت، تحمل هیچ چیز را که بوئی از رژیم قدیم داشت را نداشت؛ حتی صور قدیم خطاب یعنی «آقا» و «خانم» جای خود را به «همشهری» داد... ۱. و پوشش که نشانگر وقار و احترام بود، نیز به جرم کلیسائی بودن، محکوم به نابودی شد؛ از آن پس مجسمه هائی برهنه بیرون آمد که بیش از همه چیز این احساس را به بیننده القاء می کند که انسان همه تن است؛ و زیبایی منحصر به زیبایی تن. نمونه های این قبیل (۱) تاریخ تمدن غرب- فرا آنزلیکو- اوچالو ترجمه پرویز داریوش، ج ۲، ص ۱۰۲. ناشر کتابخانه ابن سینا. تندیس ها فراوان است، اما شاید مجسمه «داود» از همه مشهورتر باشد. داود آسمانی به زمین به صورت کشیده می شود و مجسمه مردی جوان در نهایت زیبایی و برومندی که لخت مادرزاد است، و نه تنها عضلات سر و سینه و دست و پای او بلکه جزئیات اسافل اعضای او نیز به دقت حجاری شده است. در نقاشی نیز تفاوت آشکاری میان آثار این دوره و آثار قبل از آن مشهود است. مقایسه صورتهائی که نقاشان به تخیل خود از مریم مقدس کشیده اند، تفاوت دو بینش جدید و قدیم را روشن می سازد. تصویرهای پیش از رنسانس، مریم را زنی نشان می داد که گوئی از سنخ زنان معمولی کوچه و بازار نیست، در صورت او حجب و حیا خفته بود که به او حالتی ملکوتی و آسمانی می بخشید. هنرمند، همه هنر خود را به کار می برد تا به تصویر یک زیبایی معنوی ببخشد. اما نقاشی دوره رنسانس و بعد از آن مریم را از آسمان به زمین آورد؛ و مدل خود را برای تصویر از میان زنان زیبای کوچه و بازار انتخاب کرد؛ و بیننده را بیش از آنکه به یاد ارزشهای معنوی بیندازد، تنها به زیبایی صورت خیره می کرد. و ارزش مریم به تن و روی و زیبایی ظاهری او منحصر می شود. پس از آنکه خشمها در بستر زمان فروکش کرد؛ و تعقل جای آن را فراگرفت، بعضی از پیامدهای ناخوش- که زائیده مادی نگری و خشونت های انقلابی بود- کنترل و جبران شد؛ و بعضی از آنها- که موافق سلیقه حکمرانان بود- باقی ماند. بلکه بر اثر تبلیغ، شدت یافت. در این دوره، جهالت «حریم زن» را شکست و بهترین فرصت را برای حکمرانان و سلطه جوین فراهم کرد.

سرمایه داری و حجاب

نظام اقتصادی سرمایه داری- که بر اساس همان بینش مادی و دنیوی تحقق یافت- جهان و هر آنچه در آن است، اعم از طبیعت و حیوان و انسان را بسوی هرچه بیشتر مصرف کردن و مصرف شدن روانه کرد، و از همه قوا و امکانات جهان و همه نیروها و غرایز استفاده جست؛ تا بازار تولید و مصرف را داغ تر سازد. و جنسیت- که نیروی طبیعی بود- را نیز در استخدام این نظام فزونی طلب قرار داد؛ و از اینجاست که اختلاف جنسی زن و مرد مایه گرمی بازار و رونق دکان اقتصاد سرمایه داری شد. زن در این جامعه که همه چیزش در خدمت اقتصاد سرمایه داری است به صورت ابزار بکار گرفته شد. هم باید به عرصه «تولید» پا می گذاشت، تا

نیروی کار ارزان شود، و هم در «عرضه کالا» باید ایفای نقش می کرد؛ تا سبب رونق بازار گردد. محکوم به این شد که: - تولید را ارزان و بازار مصرف را داغ کند، مصرف کند و مصرف شود. - برای اینکه لاستیک تراکتور بیشتر به فروش برسد، باید تصویر نیمه عریان یک زن، در کنار آن باشد و همه فروشندگان در فروشگاههای بزرگ باید از میان زنان جوان انتخاب شوند تا به بازار گرمی بخشند. و زن این مرتبه، در خدمت اقتصاد سرمایه داران بکار گرفته می شود؛ و در این مسلخ پول، قربانی می گردد.

فرویدیسم و حجاب

بعضی از پندارهای فلسفی و روانشناسی جدید غرب، یکی دیگر از اموری است که سبب گرمی بازار بی حجابی گردید. تفکرات جدیدی که بارزترین جلوه آن، فرویدیسم بود، آغاز شد. این بار بی حجابی و بی بند و باری در لباس علم و دانش و به صورت یک مکتب ظهور کرد. مکتبی که - غریزه جنسی را اصل و ریشه شخصیت آدمی و منشأ و مبنای بینش و اعتقادات و ابتلائات او به حساب می آورد، - و چون همه گرفتاریها را ناشی از سرکوبی غریزه جنسی می داند، - علاج همه مشکلات روانی و اجتماعی را در رفع محدودیت و ممنوعیت از این اسب سرکش و طغیانگر و سیری ناپذیر معرفی می کند. - و بدین صورت بهترین پشتوانه و پشتیبانی برای برهنگی و بی بند و باری به صورت علم و فرهنگ ظهور پیدا می کند. در خاورمیانه بی حجابی در خاورمیانه نیز بطور مقطعی و موقت، بروز می کرد؛ ولی بیش از چند صباح دوام نمی آورد؛ و بخاطر فشار افکار عمومی، این تمایل به تنفر می گراید. مثلاً در سال ۱۲۲۳ زنی بنام قره العین در شهر قزوین دنیا آمد؛ و با پیدا شدن محمدعلی باب و مسلک بهائیت به این گروه گروید. وی با کشف حجاب و با آرایش کامل ظاهر می گشت، و به ترویج بهائیت می پرداخت ۱. او با دیگر سران این فرقه استعماری بدون پوشش متعارف به گرمابه می رفتند؛ و سعی در ترویج بی حجابی و برهنگی داشتند. (۱۲) ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۱۲۹. (۲) تاریخ مسعودی (مسعود میرزا ظل السلطان) انتشارات چاپخانه هنر چاپ اول، ص ۱۶.. ولی فشار افکار عمومی بالا گرفت؛ و سرانجام، قره العین به اعدام محکوم، و این قائله ختم گردید. از اوایل قرن چهاردهم هجری شمسی یعنی حدود هشتاد سال پیش یک حرکت دامنه دار در خاورمیانه اتفاق افتاد و تاکنون دامنگیر این منطقه است. هرچند عوامل مختلفی در این اتفاق دخیل بود؛ ولی دو عامل تأثیر اساسی داشت. یکی خودباختگی سران کشورها، که کم کم به ملتها نیز سرایت می کرد. و دوم برنامه ریزی گسترده استعمارگران برای دین زدائی، به منظور سلطه یابی بر این کشورها. (الف) خودباختگی فرهنگی گسترش صنعت و پیشرفت قابل توجه تکنولوژی در غرب توجه همه را به خود جلب کرد. همه جا سخن از رشد چشمگیر غرب گفته و شنیده می شد. این پیشرفتهای علمی به جای اینکه موجب بیداری ملتها، و شکوفایی استعداد آنان گردد؛ و انگیزه ای برای رشد و توسعه فراهم آورد، عده ای را چنان مجذوب و فریفته خود ساخت و قدرت تفکر و تعقل را از ایشان گرفت؛ که همه پیشرفتهای را در چهره ظاهری غرب جستجو کردند؛ و سعی نمودند آن را به کشورهای خود منتقل کنند. هرگاه سفری برای یکی از پادشاهان و سران کشورهای مسلمان به غرب اتفاق می افتاد؛ پس از آن باید بسیاری از آداب و رسوم غربی ها که هیچ ربطی به پیشرفت صنعتی نداشت، در کشورشان شیوع پیدا کند. تحقیق پیرامون سفرهای متعدد شاهان قاجار و پهلوی و مطالعه سفرنامه های آنان عمق خودباختگی آنان را به خوبی هویدا و آشکار می سازد. ب) استعمارگری استعمارگران برای اینکه بهتر بتوانند بر ممالک اسلامی تسلط یابند، بنا را بر این گذاشتند تا ملتها را از اعتقاد راسخ به دین و مذهبشان جدا کنند؛ چراکه تنها عاملی که می توانست از نفوذ بیگانگان جلوگیری کند، اعتقادات مذهبی بود. خصوصاً بعد از مشاهده نمونه هائی همچون فتوای میرزای شیرازی مبنی بر تحریم تنباکو که بنیان استعمار را به لرزه درآورد. بدین جهت «دین زدائی از زندگی مردم مسلمان»، یکی از اساسی ترین برنامه های استعماری در کشورهای اسلامی شد، و یکی از روشن ترین روشهایی که برای این مقصود پیش گرفتند اشاعه فرهنگ بی حجابی، و بدنبال آن گسترش فحشاء و منکرات، و زدودن فرهنگ معنوی و الهی بود. برای مثال در پروتکل های احکامای صهیون می خوانیم: «بر ما

واجب و لازم است که در ویران ساختن مبانی اخلاق در همه جا بکوشیم تا راه تسلط و نفوذ ما هموار شود. فروید از قوم و نژاد ماست و او همچنان روابط جنسی را بی پرده و برملا عرضه خواهد کرد، تا این روابط در نظر جوانان بصورت موضوعی مقدس باقی نماند و سیراب ساختن غریزه جنسی بصورت مهمترین هدف نسل جوان درآید؛ و در این هنگام است که اخلاق رو به ویرانی خواهد نهاد^۲. خودباختگی زمامداران و تلاش مستمر استعمارگران دو عاملی هستند، که یکی از درون و دیگری از بیرون دست به دست هم داده، و موقعیت ارزشهای معنوی را در جوامع متزلزل کرده، و بی حجابی را - که یکی از جلوه های فرورفتن به ارزشهای مادی است - به کشورهای اسلامی وارد نموده اند، البته نقش جهالت و نادانی عوام را نباید از یاد برد. ۱) صورت مجلس جلسات سیاسی که برای بررسی و تحقیق و مذاکره در امری منعقد گردد. ۲) جاهلیت قرن بیستم تألیف صدرالدین بلاغی، چاپ اول، ص ۲۳۴.

در افغانستان

نخستین کشوری که اقدام به کشف حجاب از بانوان مسلمان کرد؛ افغانستان بود. امان الله خان پادشاه افغانستان در سال ۱۳۰۶ به اروپا مسافرت کرد و بر اثر مبتلا شدن به « خودباختگی فرهنگی » به جای انتقال علم و دانش و تکنولوژی، به محض بازگشت به پایتخت، اعلام نمود: « زنان بایستی بدون حجاب باشند »؛ و نخست خود و همسر بی حجابش در مجامع و محافل ظاهر شدند.

در ترکیه

آتاتورک در سال ۱۳۱۳ پس از سقوط دولت عثمانی فرمان منع حجاب را در ترکیه صادر کرد، و آن را پی گرفت و این ارمغان استعمار و شعار غربزدگی در آن کشور تا کنون باقی ماند.

در ایران

در سال ۱۳۱۳ همزمان با اقدامات آتاتورک زمینه سازی برای کشف حجاب در ایران توسط رضاشاه آغاز شد. وزیر معارف وقت (میرزا علی اصغر خان حکمت) مسافرتی به شیراز می کند؛ و به مناسبتی با حضور گسترده طبقات مردم، مجلس جشنی که از پیش تدارک دیده شده بود برپا می نماید. در خاتمه آن مجلس دوشیزگان بر روی صحنه (سن) نمایان می شوند، و ناگهان نقاب از چهره برمی گیرند، و ارکسترها رقص می نوازند، و دختران به پایکوبی و رقص می پردازند. ولی شدت اعتراض و فشار افکار عمومی در همان مجلس و در شهر، سبب به تأخیر افتادن برنامه های بعدی رضاخان می شود. در سال ۱۳۱۴ رضاشاه؛ پس از مسافرت به ترکیه و کسب اطمینان از امکان موفقیت کشف حجاب در کشورهای اسلامی، به صورت جدی و خشن وارد عمل گردید. ابتدا در تهران و شهرهای شمال ایران، و سپس بتدریج در سایر شهرها مجالس جشن و سخنرانی برقرار شد؛ ولی با مخالفت و مقاومت مردم روبرو گردید، مردم مشهد نیز در اقدام علیه کشف حجاب و برای منصرف کردن رژیم از اعلام رسمی آن، در مسجد گوهرشاد اجتماع کردند؛ که با برخورد شدید قزاقان درخیم؛ در این واقعه، بیش از دو تا پنج هزار تن به خاک و خون کشیده شدند. رضاخان از آن پس به دامنه تبلیغات خود وسعت بخشید؛ و مطبوعات و رسانه ها را نیز در خدمت نقشه استعماری بی حجابی بکار گرفت. ولی اینها هیچ کدام نتوانست تأثیر چندانی در کشف حجاب داشته باشد. تا اینکه بالاخره با زور و سرنیزه به عملی کردن این نقشه شوم پرداخت. مهدیقلی هدایت در این مورد می نویسد: «پلیس دستور یافت روسری از سر زنها بکشد. روسری ها پاره شد، و اگر ارزش داشت تصاحب؛ مدتی زد و خورد بین پلیس و زنها دوام داشت. ولی این اقدام نیز با تمام خشونتش موثر واقع نشد، و بسیاری از زنان برای حفظ حجاب از خانه ها بیرون نمی آمدند» پس از مرگ رضا شاه این اقدامات توسط محمدرضا شاه

بطور جدی با چهره ای جدید با برنامه ریزی گسترده، البته با ملایمت و ظرافت دنبال شد. تنها در یکی از جلسات برنامه ریزی کشف حجاب ۳۱ برنامه اجرایی برای برداشتن حجاب نظیر استفاده از تبلیغات گسترده صدا و سیما، انتشار مقاله، آموزش غیر مستقیم کودکان در مدارس، ممنوعیت حجاب برای دانشجویان و کارمندان، به تصویب رسید؛ و بتدریج به مرحله اجرا گذاشته شد. زنان شریف و نجیب و مسلمان ایرانی اگر چه زیر فشار همه جانبه تبلیغات و عملکرد خاندان پهلوی بودند؛ لکن - جز گروهی نا آگاه- اصالت و هویت خویش را حفظ کردند، و برگی دیگر بر افتخارات خویش افزودند. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و شکست بهت آور دشمنان در جبهه های رو در رو، دشمنان اصلی انقلاب برای به اسارت درآوردن ثروتهای کلان این کشور تصمیم گرفتند، ارزشهای معنوی حاکم بر این مرز و بوم را همچنان مورد تهاجم فزاینده خود قرار دهند، و اقدامات گسترده ای را در داخل و خارج ایران بکار گیرند؛ بی شک مسئله برهنگی زنان یکی از بارزترین این اقدامات است. یک زن امریکائی به نام « مری جونز» در دادگاه اعتراف کرد:- که در سال ۶۱ با هدف به انحراف کشیدن جوانان ایرانی به تهران آمده و سالها در پارکها و خانه های مخصوص، جوانان را اغفال می کرده است ۱. ۱) کیهان، ۱۵ اردیبهشت ۷۳.

تفاوتهای زن و مرد

اشاره

شاید با دیدن عنوان بالا با یک قضاوت سریع و حکم عجولانه نویسنده را محکوم کنید. - که دیگر این حرفها کهنه و پوسیده شده و دوران این گونه سخنان سپری گشته است- تصوّر اینکه زن و مرد با هم تفاوت داشته باشند، یک خیال واهی و زاییده روح زورگوئی مردان است. زمان ما عصر تساوی زن و مرد است. زن این عصر خود را آماده کرده که پا را از خانه بیرون گذاشته و قید و بندها را رها کرده و آزادانه وارد اجتماع گردد و با مردان مخلوط و محشور باشد. ریشه این قضاوت عجولانه در این است که تفاوت بین زن و مرد را به معنی برتر بودن مرد و پست تر بودن زن می دانند. تصور این است که اگر تفاوتی وجود داشته باشد، این زن است که موجودی ضعیف و بی محتوا است؛ و مرد موجودی قوی، نیرومند، متفکر، خلاق و ... است. لذا برای گریز از وجود دوگونگی ها انکار می شود. ولی حقیقت این است که وجود تفاوت، موجب برتری نیست؛ همانگونه که هیچکدام از اعضاء بدن در عین تفاوتهای آشکار نمی تواند مدعی برتری بر دیگری باشد؛ بلکه هر کدام جزئی لازم برای تشکیل یک جسم کامل است، که با نبودن هر کدام رنجی غیر قابل تحمل بر پیکره جسم وارد خواهد آمد. « یک مجموعه سالم نیازمند همه اعضاء خواهد بود ». بنابراین سخن از تفاوتهای میان زن و مرد به معنی ناقص بودن یکی و کامل بودن دیگری نیست؛ چنانچه در قرآن مجید آمده است « فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ » یعنی « خداوند هر کدام را بر دیگری به جنبه هائی برتری داد ». دستگاه آفرینش از این تفاوتها منظور حکیمانه ای داشته است. خالق حکیم این ویژگی ها را برای این به وجود آورده است که به هر یک نیروئی مناسب عنایت کند. ازدواج را- که تلفیق و ترکیب این نیروهاست- وسیله کامل شدن هر دو قرار داده است؛ و بر اثر این احساس، روح خودخواهی و منفعت طلبی را به روح خدمت و تعاون و ایثار مبدل گردانیده است. قانون خلقت با قرار دادن این تفاوتها، زن و مرد را طالب و علاقمند به یکدیگر قرار داده و موجبات پیوند مستحکم خانوادگی آنان را فراهم نموده، و شالوده وحدت آنها را ریخته است. این تفاوتها لازمه زیست در این جهان و ضامن بقاء نسل است، که آفریننده حکیم به وسیله آنها هر کدام از زن و مرد را برای مسئولیتی خاص و خطیر آمادگی بخشید. بنابراین نه زن باید از زن بودن خود شرمند باشد و بخواهد مانند مردان زندگی کند، و نه مرد از مرد بودن ابا داشته باشد. کمال مرد به مرد بودن و مردانه زیستن او و کمال زن به زن بودن و زن گونه زندگی کردن است. نقطه اشتراک بسیار مهمی بین این دو موجود شریف وجود دارد، که آن دو را از یک نوع قرار داده است؛ و آن جنبه انسانی و

معنوی آنهاست. تمام تفاوت‌هایی را که دانشمندان و محققان علوم فیزیولوژی و روانشناسی بیان کرده اند، همگی مربوط به جنبه خاکی بودن انسان و لازمه بقاء نسل آدمی است؛ و هیچ ربطی با بُعد معنوی او ندارد. زن و مرد در جنبه آسمانی و دارا بودن «روح الهی» مشترکند؛ هر دو دارای نیروهای درونی تکامل طلب و عوامل بیرونی هدایت‌گرند؛ تا آنها را به درجات عالی معنوی و قله رفیع «خلیفه اللهی» برساند. بنابراین، تفاوت‌های موجود میان زن و مرد تدبیری حکیمانه است؛ نه موجب سرشکستگی و سرافکندگی؛ کسانی که سعی دارند شباهت خود را به جنس دیگر قوی کنند و از جنس خود در حال گریزند، مبتلا به نوعی خودباختگی شده اند. راه علاج آنها به اینست که ایشان را از سرمایه های عظیم درونی و معنوی خودشان باخبر سازیم؛ و آنها را آگاه سازیم - که هر کدام از این ویژگی ها امتیازی برای جنس خود است. حال که دانسته شد که - زن و مرد هم دارای جهات تفاوت و هم نقطه اشتراک هستند - بخوبی روشن می گردد که چرا خداوند متعال در قوانین و دستورات دینی بین زن و مرد تفاوتها و مشترکاتی قائل شده است. چرا در بعضی احکام میان زن و مرد تفاوت گذاشته است و به چه دلیل در سائر احکام مشترکند؟ در احکامی که به مقتضای انسان بودن است و موجبات ترقی و تکامل انسان را فراهم می کند، بین زن و مرد هیچ تفاوتی نمی یابیم. هرآنچه دوگونگی در قوانین و دستورات اسلامی می بینیم، همه در جهات ویژگی هائی است که هر کدام از این دو جنس شریف دارا هستند. و از همین جاست که می گوئیم «قوانین اسلام بهترین و مرقی ترین قوانینی است که طبق مقتضای وجودی انسان تنظیم گشته؛ و به تمام ابعاد او توجه کافی نموده است، و می تواند انسان را در مسیر سعادت هدایت کند». چون قانونی کامل و مرقی است، که براساس واقعیتها و در راستای نیل به اهداف عالیّه وضع گردد. و قانونگذاری که می خواهد، راجع به زن و مرد قانون تدوین کند، باید به همه جنبه های مشترک و متفاوت توجه داشته باشد، آنگاه به منظور دستیابی به کمالات و ترقیات والای بشری قانونگذاری کند. استاد شهید مطهری، می گوید: «حقوق و تکالیف و مجازاتها در اسلام، دو جنسی است. یعنی همچنانکه مرد و زن در انسانیت مشترکند و مشترکات اصیل نوعی دارند، ولی جنسیت آنها، آنها را به صورت دو جنس با مختصات فرعی خاص درآورده است. حقوق و تکالیف و مجازاتها تا آنجا که به مشترکات دو جنس مربوط است، مشترک و متساوی و یک جنسی است؛ از قبیل حق تحصیل علم، حق عبادت و پرستش، حق انتخاب همسر، حق مالکیت، حق تصرف در مایملک و امثال اینها؛ و آنجا که به جنسیت و مختصات فرعی آنها مربوط است، وضع برابر و متساوی ولی ناهمسان و نامتشابهی دارد و دو جنسی است»^۱. عدم توجه به این مفاهیم و انکار آن سبب یک سویه نگری شده است. فقط به تفاوت‌های زن و مرد توجه کرده و باور دارند که زن منحصرأً ظرفی برای تولد فرزندان قرار داده شده است. (انما امهات الناس و اوعیه) و او را از تحصیل علم و دانش منع کرده، و از تصرف در امور شخصی و اجتماعی باز می دارند. و گروهی نیز فقط به مشترکات چشم دوخته و تفاوت‌های زن و مرد را انکار می کنند. و بر این گمانند که زن و مرد همیشه، همه جا و همه حال باید احکامی یکسان داشته باشند و دقت در مطلب بالا، به خوبی تفاوت میان دو نوع مظلومیت زن در قدیم و جدید را آشکار می کند. باکنکاشی در آموزه های مرقی اسلام در رابطه با «زن و جامعه» خواهیم دید که در این دستورات هر دو جهت یعنی بُعد والای انسانی و جهت لازم انوئی در نظر گرفته شده است. و به خاطر ویژگی های انوئی محدودیتهایی در جهت تأمین سعادت او تعیین شده است. نخبگان هر کشور، بازدارنده های فراوانی را در وضعیت طبیعی و اضطراری، برای حفظ حقوق شهروندی تصویب می نمایند. و در حقیقت اجرای این هشدارهای بازدارنده یکی از بهترین خدماتها به شهروندان آن کشور است؛ چراکه با توجه به واقعیت‌های موجود انجام شده است. در احکام تکلیفی اسلام نیز موارد بازدارنده ای را مشاهده می کنیم؛ در برخی از آنها هم زن و هم مرد را مخاطب قرار داده، ارتکاب این موارد برای انسانیت انسان زیانبخش است. و برخی از آنها فقط زنان را خطاب کرده، همانگونه که بعضی را مخصوص مردان قرار داده است؛ و اینها مواردی است که به جنبه های ویژه هریک پرداخته است. (۱) مجموعه آثار استاد، ج ۲، ص ۲۵۰.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ ۚ ۱۰ ای پیامبر به همسران و دختران و به بانوان با ایمان بگو جلبابهای (پوششهای) خود را بر خویش فرو افکنند که به عفاف و حریت شناخته شوند، و مورد آزار و تعرض (هوسرانان) قرار نگیرند. با مطالعه فصلهای بعد، اهمیت و فلسفه پوشش اسلامی به خوبی روشن خواهد شد و آنچه در اینجا مورد نظر است ترجمه و تفسیری کوتاه راجع به یکی از آیات حجاب است. بدون شک «دید» اجتماع نسبت به فرد یا گروه ----- (۱) احزاب/ ۵۹ و «انتظار» جامعه از

ایشان، در تربیت و شکل گیری شخصیت فرد یا گروه تأثیر فراوان دارد. اگر «دید و انتظار» خانواده ای نسبت به فرزندشان والا و مناسب باشد، شخصیت فرزند نیز متناسب با آن انتظاراتها به شایستگی شکل می گیرد؛ و اگر خانواده نسبت به فرزند دیدی کوتاه و انتظاری پست داشته باشد، اولین مانع رشد و تکامل فرزند شکل گرفته است. آنچه در این آیه شریفه مورد عنایت قرار گرفته این است که «دید و انتظار» اجتماع بشری از «زن»، باید دیدی پاک و انتظاری مقدس باشد؛ تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم سازد. بی شک یکی از عواملی که می تواند این «شناخت و توقع مناسب» از بانوان را در اجتماع پدید آورد، نوع لباس و پوشش مناسب ایشان است. اگر زن برهنه و عریان و یا با پوششی نامناسب به میان مردان بیاید، و ظرافتهای اندام خود را به رخ جامعه بکشد، خواه ناخواه «دید» جامعه نسبت به او تنزل یافته و «انتظاری» ناخوشایند از او خواهد داشت؛ و این به ضرر و زیان او خواهد بود. اسلام، خواسته است که زن با معیار «انسانیت» در جامعه مطرح باشد تا بتواند در پرتو این نگرش ارزشی، زندگی سالمی را داشته، و هم خود مسیر تکامل را طی کند، و هم زمینه رشد و تعالی اجتماع را فراهم سازد، و رسالت عظیمی را که طبیعت بر دوش او نهفته است، به سر منزل مقصود ببرد؛ و مرد را از دامن خود به معراج برساند. جامعه نیز باید بیاموزد که زن را با معیار «انسانیت» بسنجد نه با معیار «جنسی». در جامعه ای که زن با معیار انسانی دیده شود، زن در این دیدگاه حامل «روح الهی» و پرچم دار «خليفة اللهی» است. و موجودی دارای شخصیت و هویت و عضوی پاک از اعضای جامعه آدمی بشمار می آید. اما در جامعه ای که زن را با معیار «زنانگی» و ظرافتهای خاص او بشناسند، زن از مقام والای انسانی تنزل کرده، و در حکم یک کالای مصرفی خواهد بود؛ و با او مانند یک کالا رفتار می شود. دید اجتماع نسبت به زن پست و زشت می گردد و از سکسی بودن سر و سینه و پای زن چنان گفتگو می کنند که از مزه گوشت گردن و قلوه گاه و ران گو سفند ۰ در هنگام ازدواج، گوئی سخن از خرید کالا است، همان ملاکهایی که در انتخاب یک کفش و لباس بکار می برند، برای انتخاب زن بکار برده می شود. به جای سخن از شخصیت والای او، سخن از اجزای بدن اوست. با ایجاد چنین شناختی در اجتماع اولین و سنگین ترین ضربه متوجه خود زن می شود؛ و دیگر از آن عزت نفس، مناعت طبع، حُب مقدس و عشق پاک خبری نیست. خانم مارلین فرنچ در کتاب «جنگ علیه زنان» می نویسد: «در بازدید از نمایشگاه ها و موزه ها (به ویژه مرکز پمپیدو در پاریس) احساس کردم مورد حمله هنر مجسمه سازی انتزاعی قرن بیستم قرار گرفته ام. واقعیت اینست که تصاویر، توجه برانگیز نشان داده می شوند تا مورد پسند قرار گیرند؛ و جنس مخالف در مقام برتر خریدار این کالا-گردد. این همان چیزی است که ناراحت کننده است. زنها از دیدن بدنهای خود که اختصاصاً چنین تغییر شکل یافته و مبدل به کالائی در هنر تجاری شده است، احساس انزجار و تنفر می کنند؛ و اغلب ناراحتی خود را قورت می دهند. عده ای هم که آموخته شده اند این چنین «بینند» سعی می کنند خود را به شکل این تصاویر درآورند؛ درست مثل خواهرهای سیندرلا که می خواستند به هر وسیله ای شده پای خود را کوچک کنند تا در کفش سیندرلا قرار بگیرد»^۱. در چنین اجتماعی هر کس به سهم خود در پی ----- (۱) جنگ علیه زنان نوشته مادلین

فرنچ، ترجمه توراندخت تمدن چاپ اول ۷۳، ص ۲۶۷. سودجوئی از زن است. سرمایه داران و زراندوزان به عنوان ابزار تبلیغات و وسیله ای برای بیان مرغوبیت و پر مصرف بودن کالا، واسطه های تجاری، برای جذب مشتریان و عرضه بیشتر اجناس، سیاستمداران

واسطه های تجاری، برای استثمار ملتها، شهوترانان برای خاموش کردن آتش شهوت، ولگردها با فریب و نیرنگ یا با ایجاد رعب و وحشت در کمین عصمت و عفت دخترها، و عقده های با به تصویر کشیدن زنی بر در و دیوار در صفحه ذهن، بالاخره هر کس به اندازه توان خود از او سود جسته و بهره می برد. و این زن است که در این میدان، هستی و شخصیت و هویت خود را از کف باخته، و به موجودی بی خاصیت تبدیل گشته است. در شرایطی که چنین «دید و انتظاری» بر جامعه حاکم باشد، اگر زن بخواهد اصالت و هویت خود را حفظ کند، و تسلیم وضعیت موجود نگردد، باید خود را برای مقابله با انواع مزاحمت های خیابانی و غیر آن آماده کند. که در هر زمان و از هر سو او را نشانه می گیرد. و اگر بخواهد تسلیم وضع موجود شود باید به کلی از انسانیت و معنویت خود چشم پوشد و هر روز با شیوه ای برنامه جدید هوسبازان را به اجرا دریاورد. و پس از گذشت چند صبحی از عمرش و به محض اینکه ظرافت های جسمی اش رو به زوال گذاشت و طراوت او به نابودی گرایید. چون زباله مصرف شده سربار اجتماع باشد؛ و با احساس پوچی از زندگی، روزگار را در انتظار هیولای وحشتناک مرگ سپری نماید. در این وادی بزرگترین مجرم خود اوست؛ که دیدی ناپاک و انتظاری زشت را در اجتماع بوجود آورد؛ خود او بود که با برهنگی و یا پوشش نامناسب، این را به جامعه القاء کرد که زن موجودی است، که برای مصرف آفریده شده، نه برای ترقی. و زنانگی و ظرافت خود را به جامعه عرضه کرد، نه انسانیت را، و بدیهی است که کامجویان را برای کامیابی به گرد خود جمع نمود؛ و نه تنها موجبات هلاکت خود، بلکه مقدمات فساد و تباهی اجتماع را فراهم ساخت. در اینجا است که این گفته پروردگار عالم، زیبایی خود را نشان می دهد که ای پیامبر به زنان با ایمان بگو پوشش های خود را بر خویش فرو افکنند، که شناخته شدن به پاکی و عفت برای زن و اجتماع مناسب تر است. البته آیات نورانی دیگری در مورد بیان حکمت پوشش بانوان وجود دارد که هر یک نیازمند تفسیر و تبیین، و از حوصله این نوشتار خارج است.

انگیزه های ترک حجاب

اشاره

از آنجا که پوشش و حجاب مقتضای خلقت و سرشت زن است، و جدا شدن از این مسیر در جوامع مختلف، معلول عواملی است که باید مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. ما بر این باوریم که - اصلی ترین عامل برای این مسئله تغییر باورهای معنوی و تبدیل معیارهای الهی به معیارهای مادی است. - در جامعه ای که معیار سنجش؛ و بنای ارزش، معنویت و هویت انسانی باشد؛ اخلاق، رفتار، معاشرت و تمام زندگی آن جامعه جلوه معنوی خواهد داشت. و جامعه ای که به هر دلیل از معنویت تهی شده باشد، و همه چیز با معیار مادیت سنجیده و ارزیابی شود، همه چیز رنگ مادیت به خود می گیرد. و انسان خالی از معنویت نیز، جز اندامی نیست و فرصتی بجز «از تولد تا مرگ» برای «بودن و شدن» ندارد. بنابراین تفکر، بسیاری از آداب و رسوم صحیح، از جامعه به گوشه ای خواهد خزید و برنامه هایی متناسب با نگرش مادی، جای آنرا پر خواهد کرد. و بدین جهت است که با شیوع جهان بینی مادی در جامعه، سنت های مذهبی و آداب اصیل ملی دستخوش دگرگونی شده، و جای خود را به بی هویتی می دهد. یکی از دگرگونیها تغییر وضع پوشش در زنان و مردان بوده است. ولی با این حال عوامل دیگری نیز در تغییر پوشش بانوان دخیل بوده که ما آنها را با مختصر تحلیلی ذکر خواهیم کرد.

۱- بی توجهی به حساسیت جنسی مردان

یکی از اساسی ترین عوامل تغییر لباس و پوشش بانوان و بی پروائی آنها در ارائه ظرافتهای اندام خویش به دیگران «صدقت و ساده

انگاری زنان و توجه نداشتن به میزان حساسیت جنس مخالف « است. بدین معنی که زن از دید و درک جنسی مرد نسبت به خود آگاه نیست. واقعیتی را که نمی توان انکار کرد، این است که زن هنوز نیاموخته است که به مرد همانطور نگاه کند؛ که مرد به او می نگرد. بدینجهت بسیار مشاهده می شود که زنان، ساده لوحانه سفره دل باز کرده و رازهای ناگفتنی را با مردان بیگانه در میان می گذارند و عاقبت تلخ و ناخوشایندی را به بهای ساده اندیشی می پردازند. نحوه ظاهر شدن در مقابل مردان، چگونگی پوشش و کیفیت سخن گفتن ... در بسیاری از مواقع ناشی از این باورهای خام است. غافل از آنکه نگاه مرد به او به گونه ای است که اگر بدان توجه می نمود؛ در حرکات و سکنتات خود تجدید نظر می کرد. آمارهای وحشتناک تجاوز به زنان و دوشیزگان و حتی دختران نابالغ در کشورهای غربی که بی حجابی شیوع پیدا کرده و به صورت انس نامعقول زن و مرد درآمده، شاهد نوع و میزان حساسیت شهوانی مردان است. کسی که حساسیت آتش و بنزین را بداند، آیا ممکن است آن دو را بدون حفاظ در کنار هم قرار دهد. و با شعار «رفاقت و دوستی» صفا و صمیمیت را بر آنها حاکم کند. آیا می توان با تعارفات، شعله ای از آتش را کنار انباری از باروت قرار داد؛ و صمیمانه از آن دو خواهش کرد که از روابط خطرناک پرهیزند. آیا تاکنون با خود اندیشیده اید که از سیل بخواهید ویران نکنند، و یا از آتش بخواهید که نسوزاند؛ یا از مواد محترقه درخواست نمائید که نسوزد. بی خردانه بودن این امور بر هیچکس پوشیده نیست؛ چرا که همه از حساسیت آتش و بنزین آگاهند؛ و می دانند که سوزاندن و سوختن جزء ذات آنها است؛ و با تبلیغات و تعارفات و خواهش و تمنا نمی توان خاصیت ذاتی را از آنها گرفت. بر پنبه آتش شاید فروخت که تا چشم بر هم زنی خانه سوخت آری اگر بانوان ما متوجه حساسیت مردان بودند و می دانستند که شنیدن صدای کفش و یا نگاه به حجم پوشیده بدن زنان آستانه تحریک پذیری و وسوسه مردان است ۱، هیچگاه به خود اجازه نمی دادند که بدون محدودیتهای عقلانی و شرعی در مقابل مردان حاضر شوند. و اگر متوجه بودند که غریزه جنسی در مردان فوق العاده قوی است تا جایی که فروید آن را ریشه تمام فعالیتهای او می داند، هرگز در برابر آنها به جلوه گری و طنازی نمی پرداختند. هرگاه بانوان میزان تمایلات و انگیزه های جنسی مردان را بدانند؛ حساسیت مرد را اعتراف خواهند کرد که بهترین چیز برای زن آن است که در معرض دید مرد قرار نگیرد. و هرگاه به عواقب خطیری مبتالاتی نسبت به این مهم آگاه شوند؛ به یقین برای جلوگیری از این فاجعه بزرگ به عوامل بازدارنده ای همچون پوشش متناسب روی خواهند آورد. متلک گوئی های خیابانی، مزاحمت های تلفنی، تماسها و آزارهای درون مکانهای شلوغ و نزدیک مدارس دخترانه از طرف پسران هرزه و... باید هشدار جدی برای بانوان پاکدامن باشد. گرچه قانون تمام این موارد را شدیداً محکوم می کند و اجازه نمی دهد هرزگی و بوالهوسی شیوع پیدا کند؛ ولی توجه به این مطلب نشان دهنده درجه بالای شهوت جنسی در مردان است؛ که نباید از خاطرها دور بماند. ۱- کان امیر المؤمنین علیه السلام یسلم علی النساء کان یکره ان یسلم علی الشابة منهن و یقول اتخوف ان یعجنی صوتها فیدخل علی اکثر مما طلبت من الاجر کافی، ج ۴، ص ۴۶۴. - انا قوم لا ننظر الی ادبار النساء، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۵، ح ۲.

۲- سست عنصری و بی مبتالاتی

بسیاری از بانوانی که از نمایش بخشی از بدن خویش به نامحرمان ابائی ندارند، و خود را ملزم به رعایت پوشش کامل نمی دانند، خانمهایی هستند که ضرورت حجاب و لزوم پوشش را می دانند؛ و از فلسفه آن آگاهی دارند؛ ولی در هنگام عمل عذر می آورند که: «چه می توان کرد؟! محیط اینگونه است، ما با این مردم نشست و برخاست داریم، نمی توانیم که در کناری بنشینیم و عزلت اختیار کنیم. و...» این طرز برخورد با احکام دینی و اعتقادی منحصر به مسئله حجاب نیست؛ بلکه در بسیاری از موارد دیده می شود، افرادی که از نظر علمی هیچ مشکلی ندارند؛ در هنگام عمل به بهانه های واهی، سستی می کنند. مثلاً در مورد نظم و انضباط هیچکس را نمی یابید که منکر اهمیت آن باشد، بلکه همه خود را به لزوم آن آگاه می دانند، و چه بسا از آن دم می زنند؛

ولی با این حال بی نظمی در سراسر زندگی فردی و اجتماعی آنان دیده می شود. راه علاج این گونه برخوردها که ریشه در سست عنصری دارد، تقویت شناخت و انگیزه است باید باز هم از اهمیت نظم و عواقب تلخ بی نظمی سخن گفت. مشکلاتی که بر اثر بی نظمی با آن مواجه می گردیم و ساعتها بلکه روزهایی را که بر اثر بی نظمی تلف می شود و سرمایه های کلان انسانی و غیر آن که به هدر می رود را بیان نمود تا اهمیت نظم از یک دانسته سطحی به صورت یک باور درونی در آید، و به انگیزه ای نیرومند در میدان عمل تبدیل گردد. در مورد بی مبالاتی بعضی از بانوان در مسئله حجاب، و بی پروائی آنان در نمایش اندام خود نیز باید نتیجه شومی که از این روش بر شخص و اجتماع وارد می آید بیان گردد. باید گفت: ای خانم محترم - جامعه ای که چرخ اقتصاد و فرهنگ و استقلال و ... باید توسط جوانانش به چرخش در آید بر اثر به انحراف کشیده شدن نیروها تبدیل به جامعه ای را که و بی خاصیت و متخلف می گردد؛ در چنین اجتماعی نه تنها بانوان امنیت خویش را از دست خواهند داد؛ بلکه جوانان نیز به عنصری بی خاصیت، بلکه مضر تبدیل شده و به همین جهت بنیان خانواده سست شده و اجتماع حیثیت و استقلال خود را از دست خواهد داد. جوان تحریک شده گرچه ممکن است قدرت دست یابی به شخص تحریک کننده را نداشته باشد ولی به یقین می توان اذعان کرد، هوسهای خیالی خود را به وسیله مزاحمتها و ... بر دیگران تحمیل خواهد کرد؛ و شاید در ابتدا باور نکنید که یک امر ساده چگونه می تواند این همه خطرهای عظیم را در پی داشته باشد. ولی با تامل و تفکر و مراجعه به تاریخ گذشتگان و آمارهای موجود در کشورهای غربی، خواهید دید که آنچه بیان شده از هر گونه مبالغه و اغراق خالی است.

۳- آزادی خواهی

شاید بعضی تصور کنند که حجاب هر چند از جهاتی مفید است، ولی در عین حال با «آزادی» که آرمان همه انسانهاست؛ منافات دارد، و بنابراین دلیلی برای تن دادن و پذیرفتن چنین مسئله ای وجود ندارد. ما فکر می کنیم واژه «آزادی» در مسئله حجاب بیش از آنکه جنبه درونی و انگیزه ای داشته باشد، جنبه تبلیغاتی دارد که اشخاص برای توجیه اعمال خود، و گروهها برای جذب طرفداران بیشتر؛ در این مسئله بکار برده اند. با این حال بر ای اینکه این گمان بدون پاسخ نماند به تحلیل آن می پردازیم. «آزادی» واژه ای مقدس است؛ و مفهوم می عالی دارد؛ که از ناحیه خداوند متعال به بشر مرحمت شده تا با اختیار در مسیر تکامل حرکت کند موجبات تعالی خویش را فراهم آورده، هیچ کس حق ندارد او را از این نعمت الهی محروم کند. ولی باید توجه داشت که متأسفانه بسیاری از واژه های مقدس مورد سوء استفاده قرار گرفته، و به جای تأمل در معنا و محتوای شیرین آنها به الفاظ فریبنده بسنده می شود. کلمه «آزادی» نیز از کلماتی است که می تواند دو معنی داشته باشد یکی مذموم و ناپسند و دیگری پاک و پسندیده. معنی اول: رهائی از هر گونه قید و بند: بر این مبنا هر چیز که موجب محدود شدن فعالیت گردد، با «آزادی» ناسازگار است. بدیهی است که هیچ کس این تعریف را برای آزادی نمی پذیرد؛ چون این نوع آزادی را باید در جنگل، آنهم در میان حیوانات جستجو کرد. در آن محیط است که هر موجودی بدون هیچ محدودیتی زندگی می کند، و در این صورت است که باید «آزادی» را مرادف «توحش» دانست. معنی دوم: رهائی از قیود و محدودیت های غیر موجه: انسان برای تأمین سعادت شخصی و اجتماعی خود ناگزیر است محدودیت هایی را بپذیرد بلکه یکی از وجوه امتیاز انسان بر حیوان تن دادن به همین محدودیتها است، محدودیت هایی که تأمین سعادت اجتماعی وابسته به آنهاست. و عقل آن را برای کسانی که می خواهند در یک اجتماع سالم با هم زندگی کنند لازم می داند. «آزادی» آنگاه واژه ای مقدس و پسندیده است، که با رعایت محدودیتهای مذکور همراه گردد. مثلاً آزاد بودن در انتخاب نوع خوردنی که حق مسلم هر انسان است؛ در صورتی پسندیده و مطلوب است، که - اولاً موجب زیان و ضرر و بیماری برای خود او نگردد، و ثانیاً حقوق سایر افراد اجتماع رعایت شده باشد و در بدست آوردن و مصرف آن هیچ ظلمی به هیچ کسی وارد نشده باشد. در این صورت است که انسان در انتخاب نوع خوراک و خوردنی برای خود آزاد است. و این

آزادی مطلوب و پسندیده است. مادر مهربانی که فرزند بیمار خود را از بعضی از خوردنیها منع می کند، بر اساس همین محدودیتهای مطلوب است که عقل به آن اذعان دارد. و با «آزادی» با معنای حقیقی آن هیچ منافاتی ندارد. بر همین اساس است که می گوئیم حجاب و پوشش از آنجا که موجب حفظ امنیت بانوان و ضامن سعادت اجتماع است با «آزادی» به معنای صحیح آن هیچ منافاتی ندارد؛ و اسلام زنان را در انتخاب هرگونه پوشش که در بردارنده دو نکته بالا باشد آزاد گذاشته است.

۴- تصور اینکه حجاب مانع کار و تلاش است

ممکن است عده ای از بانوان ما فریب این شعار را خورده باشند؛ که «حجاب مانع فعالیت و ترقی و تحصیل است» بنابراین باید این بند و زنجیر را از پای بیرون آورد و آزادانه به فعالیت برخاست. در جواب باید گفت: اولاً: مراجعه به تاریخ پیشینیان که روایت گر حضور زنان فرهیخته و سهم عظیم ایشان از فعالیتهای خانوادگی و اجتماعی و کارهای طاقت فرسات، بهترین دلیل بر بطلان این ادعا است. جامعه اسلامی کنونی دلیل دیگری بر واهی بودن ادعای مذکور است. زنان بسیاری که در عرصه تلاش، تحصیل و قبول مسئولیتهای خطیر اجتماعی دوشادوش مردان بلکه گاهی جلوتر از آنها درخشیده اند، خط بطلانی بر این نظریه کشیده اند. آری، اگر به وجدان و ضمیر خود مراجعه کنیم، خواهیم دید که برهنگی یا نیمه برهنگی به هیچ وجه نمی تواند در میدان کار و تلاش مزیتی بر پوشش داشته باشد. آیا می توان پذیرفت که جوراب ضخیم پاپوش، مانع تلاش و تحصیل است اما جوراب پانما، نه؟! مقنعه و روسری و چادر اگر مطابق با ضوابط اسلامی بسته شود مانع رشد و فعالیت است، اما اگر همان روسری برای نمایش و تزئین به گونه ای بسته شود که قسمتی از موها بیرون بماند؛ نه؟! پوششی ساده و فراگیر مانع تکامل و ترقی است اما لباسهایی که، با رنگهای زننده هرچند سراسری باشد، نه؟! ثانیاً: اصل نیاز بدن به پوشش و لباس برای انسان اعم از زن و مرد قابل انکار نیست و هیچ کس نمی تواند بپذیرد که انسانها همانند حیوانات با برهنگی محض زندگی کنند. بنابراین سخن در اصل پوشش نیست بلکه در مقدار و چگونگی آن است، که آنهم بستگی به مقتضیات درونی و عوامل بیرونی دارد. زمستان سردی را تصور کنید، هنگامی که قصد دارید از منزل خارج شده به محل کار بروید، طبیعی است که لباسی را انتخاب می کنید که با توجه به وضعیت جسمانی و سرمای هوا بدنتان را محافظت کند. بنابراین دو عامل درونی (وضعیت جسمانی) و بیرونی (سرمای هوا) در انتخاب کیفیت پوشش در هنگام خروج از خانه موثر است؛ گرچه این انتخاب موجب محدودیت فعالیتها گردد، ولی از آنجا که همین پوشش درصد قابل توجهی از تلاش را ممکن می سازد؛ و اگر از آن استفاده نشود، همین مقدار از فعالیت نیز ممکن نمی باشد؛ هیچ کس منکر ضرورت آن لباسها نخواهد بود. البته راه دیگری نیز وجود دارد که هیچ مقدار از فعالیتها را محدود نمی کند و آن ایجاد فضای مناسب است، یعنی می توان در هوای سرد زمستانی بجای استفاده از پوشش زیاد در محل کار که فعالیتها را محدود می کند، محیط و فضای کار را گرم و مناسب نمود، تا در آن محیط مناسب بدون هیچ محدودیتی با جدیت تمام به کار و تلاش پرداخت. در مورد پوشش بانوان نیز انتخاب یکی از دو روش فوق ضروری است. چون با توجه به وضعیت جسمانی و جذایت خاص آن از طرفی، و غریزه شهوانی قوی جنس مخالف از طرف دیگر، ناگزیر است که یا پوشش مناسبی را انتخاب نماید که هم ضامن سلامتی شخص و اجتماع باشد، و هم بتواند مقدار قابل توجهی از فعالیتها را ممکن سازد. و یا اینکه محیطی را انتخاب نماید که در سلامت کامل با رفع محدودیتها و در ضمن حفظ هویت انسانی به فعالیت و تلاش پردازد و موجبات ترقی و رشد خود را فراهم نماید. به نظر؛ روش دوم برای بانوان مناسب تر است. مثلاً می توان محیطهای آموزشی و دانشگاهی را از مردان خالی ساخت؛ آنگاه خانمها حتی بدون روسری در آنجا به تحصیل دانش پردازند. و یا در محیط کار اداری شغلی را انتخاب نمایند که با ارباب رجوع ارتباطی نداشته باشند؛ و یا مراجعین آنها خانمها باشند؛ و آنگاه در پرتو این فضای سالم بدون هیچ محدودیتی به تلاش و کار پردازند.

۵- تقلید کورکورانه «غربزدگی»

گسترش صنعت و پیشرفتهای سریع علمی و تکنولوژی در غرب در عصر حاضر که به نتایج قابل توجهی دست یافته باعث آن شده تا گروهی از اصالت خود غافل شوند و به جای تفکر در اسباب ترقی آنان و دلایل عقب ماندگی خود، و راههای جبران آن، آنچنان مرعوب شوند که ارزشهای گرانقدر خود را نیز از دست بدهند. و همانند خرگوش، افسون مار گردند. و ارزش های فرهنگ خود را نبینند. و به جای آموزش فنون نو به انتقال فرهنگ بیگانه مبادرت نمایند و حتی در انتخاب اسم، نوع ماشین، خانه، پوشاک و خوراک و ... غرب را سرمشق زندگی خود قرار بدهند. ریشه این تقلید نابخردانه «خودباختگی» و «از خود بیگانگی» است و شخص یا جامعه ای که بدین بیماری دچار گردد، دلباخته دیگران می شود؛ و سعی می کند که خود را در رفتار و گفتار و اطوار تابع کرده و به ستیز و نبرد با سنتهای خود برخیزد، هرچند غنی و ارزشمند باشند؛ به طوری که باید نام «غربزدگی» را «سنت زدائی از تمام شئون زندگی» نامید. و این آغازی است که انجامی سیاه و ظلمانی در پیش خواهد داشت. علاج این بیماری خطرناک، - که به نابودی استقلال فرهنگی و پس از آن به نابودی استقلال در همه جهات منجر می شود-، توجه متفکرانه و عاقلانه به اسباب رشد و ترقی غربیان در صنعت و تکنولوژی و بازشناخت آداب و رسوم آنان، از عوامل رشد صنعتی است. بعلاوه سرمایه های فرهنگ ملل شرق و اندوخته های علمی آنان بایستی به عنوان زیرساخت اصلی برای انتقال تکنولوژی مورد توجه قرار گیرد. چنانچه اقبال سروده است: قوت مغرب نی از چنگ و رباب نی ز رقص دختران بی حجاب نی ز سحر ساحران لاله دوست نی ز عریان ساق و نی از قطع موست قدرت افرنگ از علم و فن است از همین آتش چراغش روشن است حکمت از قطع و برید جامه نیست مانع علم و هنر عمامه نیست علم و فن را ای جوان شوخ و شنگ مغز می باید نه ملبوس فرنگ دلیل بدحجابی عده ای از خانمها و ناسازگاری آنان با محیط و فرهنگ غنی ملی و اسلامی، اینست که، - اینان بر اثر مسافرت به کشورهای غربی و اروپائی و یا شنیدن و اطلاع یافتن از رشد دانش و صنعت در آنجا، و نداشتن قدرت تحلیل و ریشه یابی در مورد ترقیات آنها، با تمام وجود مسحور غربیان شده اند؛ و (با توجه یا بدون توجه) در سخن گفتن، راه رفتن، غذا خوردن، لباس پوشیدن و... افسون آنها گردیده و از آنان تبعیت می کنند. اینها باید متوجه گردند که ما اگر چه به دلایل زیادی از جهت رشد صنعت و دانش از آنها عقب افتاده ایم، و باید آن را جبران کنیم، ولی در فرهنگ و عقاید و اخلاق به هیچ وجه از آنان عقب نیستیم؛ بلکه با دلایل قطعی می گوئیم که آنها فرسنگها راه را باید بپیمایند تا به ما برسند. ۱ شرق حق را دید و عالم را ندید غرب عالم دید و اندر وی خزید ----- (۱) پس چه باید کرد، ص ۴۸.

۶- حس خودنمائی و سرشناسی

تجلی و ظهور حس «مقبولیت» و «جلب توجه و تأیید» که از «حب ذات» سرچشمه می گیرد راکم و بیش در همه جانداران می توان ملاحظه کرد، از کرم شب تاب و طاووس گرفته تا انسان. این میل به خودنمائی و جلب توجه در انسان به ویژه در زن ۲ همانند سایر نیازهای ----- (۲) أَوَمِنْ يُنْشَوْنَ فِي الْحُلِيِّهِ وَ هُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرَ مَبِينٍ، سوره -- مبارکه زخرف / ۱۸. جسمی و روانیش، باید نخست کنترل و تعدیل شود، و سپس از راه و روش صحیح اشباع گردد. چراکه این نیاز همانند سایر نیازهای آدمی به منظور سیر بسوی کمال در وجود او نهاده شده است. چنانچه در دوران شکل پذیری شخصیت در سنین کودکی از این غریزه غفلت گردد، شخص به بیماری «خود کم بینی» و «عقده حقارت» دچار می گردد ۱ و در این صورت است که شخص مبتلا سعی می کند، به گونه ای این کاستی را «جبران» نماید. گاهی به خیال پردازی متوسل می شود. و گاهی نیز تلاش می کند که به گونه ای توجه محیط را به خود جلب نماید؛ و با نگاه و تحسین دیگران این

بیماری را تسکین دهد. البته راهی که افراد بدین منظور می پیمایند و ماسک‌هایی را که بر چهره می زنند متنوع و حتی گاهی گمراه کننده است. گاهی ناله و شکایت، جدال و پرخاش، پرچانگی، ماشین و مسکن، حالت سخن گفتن، غذا خوردن، راه رفتن و... و گاهی نیز در خودآرائی و اندام نمائی و یا ناهنجاریهای دیگر اجتماعی جلوه می کند. بعضی گونه های انحراف در اندازه های افراطی به صورت بیماری «اکس هی بی سیونیسیم» یا جنون «برهنه گری»، «خود عریان نمائی» بروز می کند. که مورد گفتگوی روانشناسان است، و در برخی از کشور های غربی مبتلایان زیادی دارد ۲. بی شک یکی از عوامل بی پروائی بانوان در نمایش اندام و ظرفتهای جسمی و استفاده از پوششهای نامناسب و جلب توجه کننده، ابتلاء به این بیماری است. البته ممکن است این «عقده» و عامل آن آنقدر ظریف باشد که شخص مبتلا نتواند آنرا در خود تشخیص دهد ولی می توان از نشانه ها و آثار به وجود این بیماری پی برد. بانوانی که سعی دارند تا در محیط کار و زندگی انگشت نما باشند، از رنگ و مدلی برای لباسها استفاده می کنند، که تازه باشد و بتواند توجه دیگران را به خود جلب نماید و اگر آن نوع لباس مورد استفاده دیگران قرار گرفت و جذابیت خود را از دست داد، دیگر حس جلوه گری او اشباع نمی شود. و ناچار به رنگ و مدل دیگری روی می آورد که در بین دوستان و آشنایانش شیوع نداشته و بتواند توجه افراد را به خود جلب نماید. این گروه به هیچ وجه پوششی که آنها را در مقابل دیده های نامحرممان ساده و باوقار و همرنگ با سایر بانوان نشان دهد نمی پذیرند. علاج این بیماران کار آسانی نیست و تا خود نخواهند نمی توان برای آنها کاری کرد. اول باید بدانند که مبتلا به «عقده حقارت» هستند و بعد از آن در فکر علاج باشند. مبتلایان به این بیماری را باید به ارزشهای معنوی و هویت انسانی و زمینه های مناسب خدادادی برای ترقی و تکامل، متوجه ساخت؛ و نمونه هایی از بانوان با شخصیت غرب و شرق جهان را که با باور گوهر گرانبهای درون و گنجهای بی مانند معنوی، به عظمتهای والا رسیده اند برای آنها بیان کرد، تا راه صحیح اشباع این غریزه را دانسته و ضمن حفظ ارزشهای والای انسانی این نیاز طبیعی را ارضاء سازند. -----

۱) البته باید دانست که احساس حقارت گاهی ناشی از عوامل بدنی همانند قد کوتاه یا بلند، ناموزون بودن اعضاء بدن و... و گاهی ناشی از عوامل روحی همانند احساس ضعف درسی در مقابل همشاگردان یا خواهر و برادر، اختلافات خانوادگی، طلاق، نفاق و... است. ولی همه اینها در پرتو تربیتی شایسته و صحیح قابل جبران است. و آنچه این کاستی ها را به صورت «عقده ای» درمی آورد نارسائی تربیتی در محیط خانواده و امثال آن است. ۲) جوانی پررنج، ص ۲۰۸.

پیامدهای ناگوار خود آرائی و خودنمایی

اشاره

برداشته شدن مرز میان زن و مرد و اختلاط نامعقول آنها اثرات و پی آمدهای ناگواری را برای بشریت بدنبال داشته و خواهد داشت. ما در این نوشتار به چند نمونه آن اشاره ای کو تاه و گذرا داریم.

۱- از بین رفتن هویت انسانی بانوان

بر اثر کشیده شدن مسائل جنسی به صحنه اجتماع بیشترین ضرر و زیان دامنگیر بانوان شده است. زن است که بر اثر اختلاط نامعقول، بعنوان تأمین کننده شهوترانی های مرد مطرح گشته؛ شخصیت انسانی و اجتماعی او به فراموشی سپرده می شود؛ و تمام شئون و کمالات او تحت الشعاع جنبه جنسی او قرار می گیرد. و بدین جهت متحمل آزارهای فراوان می گردد. او به جای اینکه انسانی دارای کمالات معنوی به حساب آید، به چراگاهی برای چشمهای ولگرد و هرزه تبدیل می شود. مولوی داستان طاووس

آزاده ای را حکایت می کند. که بال و پر زیبایش را می کند. حکیمی نزدش رفت و گفت: چرا بال و پر قشنگ خود را از ریشه می کنی؟! چطور دلت راضی می شود که این پرهای زیبا و رنگا رنگ خود را بر زمین بیندازی؟! هیچ می دانی که حافظان قرآن، پرهایت را آن قدر دوست دارند که آنها را ابلاقی قرآن می گذارند؟ پر مکن آن پر خلد آرای را پر مکن آن پر ره پیمای را طاووس از نصایح آن حکیم، به گریه و نوحه افتاد و به قدری گریه اش جگر سوز بود که همه حاضران گریه کردند. طاووس از گریه فارغ شد، و جواب حکیم را این چنین داد: این بال و پر زیبا و رنگارنگ من؛ بالای جانم شده است. شکارچی بی رحم، به خاطر این پرها در هر سو برای من دامی نهاده است؛ و تیراندازان از هر سو مرا احاطه کرده اند؛ تا مرا هدف تیر خود قرار دهند. چون کاسه صبرم لبریز شده و قدرت آن همه رنج ندارم؛ بهتر دیدم که پر و بالی نداشته باشم؛ و زشت منظر گردم؛ تا مرا رها کنند. اصل، جان است. جان بهتر از بال و پر است. تن از بین می رود و جان است که باقی می ماند. آن به آید که شوم زشت و گریه تا بوم ایمن در این کهسار و تیه پرکنم پرهای خود را یک یک تا نیندازد بدامم هر کلک نزدمن جان بهتر از بال و پر است جان بماند باقی و تن ابتر است پر و بال من برای اشباع زندگی زیباخواهان است و مایه عذاب برای من. آنچه برای خود من است، مغز و نیروی شنوایی و بینایی خودم می باشد. چرا به خاطر زیبایی عاریتی؛ روح عزیزم را در اختیار دیگران بگذارم. برکنم از بیخ این منحوس دام از پی کامی نباشم تلخ کام در خور فهم تو گفتم این جواب فهم کن در جستجو رو بر متاب. خانم مارلین فرنچ در کتاب جنگ علیه زنان می نویسد: «موضوع اکثر آثار هنری غرب چیزهایی است که توجه خریدار مرد را جلب می کند. مصرف کننده نهایی حتی اگر طرف تبلیغ خانمها باشند، همیشه مردها هستند. زنها مجبورند چیزهایی خریداری کنند که در نهایت از آنها کالای جالب و فریبنده ای در نظر خریدارهای مرد می سازد، آنها مهمترین کالائی هستند که در دنیا باید به خریداران مرد عرضه شود.» ۱ او همچنین می گوید: «تحقیر زنان در آثار هنری و کارهای تبلیغاتی بر تصاویر سینمایی هم حاکم است، زنها در فیلمهای سینمایی چنان پست شمرده می شوند که منتقد سینمایی نیو یورک تایمز که زیاد هم طرفدار تساوی حقوق زن و مرد نیست، صدای اعتراضش برخاسته و به بی قیدی بعضی از هنرپیشه ها نسبت به امور جنسی اعتراض می کند. آگهی های تبلیغ فیلم معمولاً هنرپیشه اول زن را تقریباً لخت نشان می دهند، اگر چه در فیلم آنطور هم ظاهر نشود.» ۲ آری، پوشش زن، دژ استواری برای حفظ ارزشهای والای معنوی او و شعار عفاف و پابندی به موازین اخلاقی و اجتماعی است. زن با این سپر محکم می تواند هویت انسانی خود را حفظ نموده و خود را از آماج نگاه های هرزه و دیدگاه های آلوده در امان سازد. و در پرتو آن سلامت خود و اجتماع را تضمین نماید. و گامهای بلند ترقی و تکامل را برداشته و قله رفیع انسانیت را فتح کند. و از میوه های لذت بخش این مدینه فاضله با امنیت کامل استفاده نماید. چنانکه از امیرالمومنین علیه السلام نقل است که فرمود: «پوشیدگی زن به حالش، بهتر است.» ۳ (۱۳) جنگ علیه زنان، ص ۲۶۵ و ۲۶۸. (۲) جنگ علیه زنان، ص ۲۶۵ و ۲۶۸. (۳) صیانه المرأة أنعم لحالها... مستدرک الوسائل، ج ۱۴، باب ۷۰.

۲- اضمحلال نیروی جوانان

یکی از اثرات شوم راهیابی مسائل جنسی به صحنه اجتماع نابودی و اضمحلال نیروی جوان جامعه است. وجود نیروی قوی شهوت جنسی در مرد خصوصاً در سنین جوانی که به هیچ وجه قابل انکار نیست، اگر به وسیله منظره های شهوت انگیز و صحنه های فریبنده بطور غیر عاقلانه تحریک و بیدار گردد، نیروی عقل و تفکر را از بین خواهد برد؛ و در چنین حالتی کنترل چنین نیروی قوی محال می نماید. چه بسیار جوانان پاکی که بر اثر برخورد با یک منظره محرک، یا تماشای یک فیلم مهیج، آرامش قلبی خود را از دست داده، و بطور کلی تغییر مسیر داده و به جای سیر بسوی کمال و ترقی مادی و معنوی شخصی و اجتماعی، به سوی هرزگی و فساد به حرکت درآمده اند. بعضی از آنان بر اثر فشار غریزه جنسی، به مراکز فحشاء سوق داده می شوند، و بیماریهای خطرناکی چون سفلیس و سوزاک و ایدز و ... را به جامعه ارزانی خواهند داد. بعضی دیگر بر اثر تحریک شدید جنسی، مزاحم زنان کوچه و

بازار شده و برای کامیابی و اشباع شهوت از راه ارزان (و تقریباً مجانی) دست به بسیاری از اعمال خلاف خواهند زد. و چه آزارهایی که اینان بر زنان پاکدامن و دختران باعفت روا نخواهند داشت. و اینانند که درصدد فریب دختران معصوم برمی آیند و بر اثر اغواء و فریب و به وسیله وعده های دروغین و با الفاظ شیرین، زندگی صادقانه دختری پاک را به جهنمی مخوف، سیاه و وحشتناک تبدیل کرده و زندگی او را تباه می کنند. بعضی دیگر از جوانان بر اثر محرومیت جنسی مبتلا به استمناء و خودارضائی می شوند؛ و به امراض خانمان سوز ناشی از آن دچار می گردند. و بعضی دیگر از آنان بر اثر عدم ارضاء نیروی جنسی به بیماریهای جسمی و عقده های روانی مبتلا می گردند. بیماریهای جسمی از انحراف نیروی شدید عاطفه جنسی که تبدیل به فعالیت خارجی نگردیده بطرف اعضای داخلی بدن و متمرکز شدن در آنجا، شکل می گیرد و منتهی به بیماریهای قلبی، فشار خون، تنگی نفس، زخم معده و دل درد می گردد ۱ و این بیماریها نیز در درازمدت موجب ابتلا- به حزن و اندوه و افسردگی می گردد. و بالاخره جوانان را- که سرمایه عظیم الهی برای یک ملت و امانتدار فرهنگ ملی و اسلامی از نسلی برای نسلهای بعد هستند- به موجوداتی بی قید و بی مبالا و بی توجه به ملت، کشور و سرمایه های آن تبدیل کرده، که به جای تلاش و کوشش در جهت رشد و شکوفائی استعداد و دانش، شبانه روز خود را در فکر معشوقه های خیالی بسر می برد؛ و سرمایه گرانبهای جوانی را در مسیر پوچ و بی محتوا و به قیمت از دست دادن همه ارزشها صرف کند. آیا تاکنون با خود اندیشیده اید که چرا آمارهای سرسام آوری که در کشورهای غربی اعلام می گردد، حاکی از روزافزون بودن جنایات، خشونتها، تجاوز به عنف و عصیانگری هاست؟! چرا ساعتها، هفته ها و ماه و سال و عمر جوانان سرگردان، در خیابانها و کوچه ها بدنبال معشوقه های پوچ و خیالی خود صرف می گردد. به طوری که سران باتدبیر آن کشورها احساس خطر کرده (۱) روانشناسی برای همه، ص ۱۱۰ و آینده را تاریک و ظلمانی پیش بینی می کنند. کندی رئیس جمهور فقید ایالات متحده امریکا در تصریح خطیر خود به سال ۱۹۶۲ م خاطرنشان ساخت،- که امریکا در خطر است؛- زیرا نسل جوان این سرزمین سست و تنبل و فاسد و مستغرق در غرقابه شهوات است؛ و قدرت تحمل بار مسئولیتی را که بر دوش او نهاده اند را ندارد، و در میان هر هفت نفر جوانی که برای سربازی اعزام می شوند، شش تن آنها فاقد صلاحیتند. زیرا شهوترانی لیاقت مزاجی و روحی ایشان را تباه کرده است. ۱ در آن سال در نیویورک ۲۷۶۶ تصادف اتومبیل در اثر چشم چرانی رخ داده؛ که ۳۸ فقره آن منجر به قتل گردیده. و ۵۰۰۰ مورد پرونده درگیریها و نزاعها و قتلها بر اثر چشم چرانی بوده است ۲. و زن که می توانست دامنش را پرورشگاه مردان قوی و دانشمند و آینده ساز و محل عروج اولیای الهی قرار دهد، به وسیله ای برای سست کردن اراده ها تخدیر عقلها و ابزاری برای نابود کردن ارزشهای والا مبدل گشته است. (۱) جاهلیت قرن بیستم، ص ۲۳۴. (۲) حجاب اسلامی، ص ۱۲۷.

۳- سست شدن بنیان خانواده و ازدیاد طلاق

حقیقتی را که نمی توان در آن تردید کرد این نکته است که یکی از اساسی ترین عوامل ازدواج همان تقاضا و نیاز طبیعی است که در دوران بحرانی جوانی دامنگیر دختر و پسر جوان شده و بصورت غرور جوانی و تشنجات دوران بلوغ نمایان می گردد. همین تقاضای طبیعی در کنار سایر عوامل سبب تشکیل خانواده و تبدیل زندگی فردی به اجتماعی و پذیرفتن مسئولیت زندگی مشترک می گردد. و با توجه به اینکه هر عاملی چنانچه در پیدایش چیزی دخیل است، در بقاء و نگهداری آن نیز موثر می باشد؛ موضوعی که می بایست مورد اهتمام و توجه زن و مرد قرار گیرد، موضوع اشباع غریزه جنسی است. حال با توجه به این مقدمه وقتی مردی پس از سپری شدن دوران اولیه زندگی و هیجانات خاص آن دوره، و نیز با توجه به کاسته شدن تدریجی لطافت و ظرافت همسرش و عادی شدن روابط بین آنها، اگر همسر خود را در خانه و بیرون آن یکسان مشاهده کند؛ بلکه در بیرون خانه زنان و دختران جوان را جذابتر از همسر خود، ببیند؛ آگاهانه یا ناخودآگاه به دنبال رفع نیاز طبیعی خود است که هنوز مرتفع نشده، و اکنون از تسکین

خاطری که در ابتدای تشکیل خانواده داشتند، اثری نمی یابد. همین موضوع در روحیه و اخلاق او تأثیر گذاشته و عکس العمل آن در نحوه برخورد ها و ایراد گیری ها و امثال آن پیداست ۱. زنان با دید ظاهری و سطحی می پندارند که همسرشان تغییر اخلاق داده؛ بدخو و عصبانی شده است. (و چه بسا خود مرد نیز از سبب این دگرگونی غافل باشد) غافل از آنکه گناه این دگرگونی در مرحله اول متوجه خود زن و سایر زنانی است که به این مسئله بی توجهی کرده اند. خود او از آن جهت که نیاز طبیعی شوهر را مرتفع نساخته و خود را در خانه و بیرون یکسان جلوه داده ۲. و زنان دیگر از آن جهت که در بیرون خانه بلکه در محیط کار مرد فضا را برای تحریک هرچه بیشتر غریزه جنسی مرد فراهم کرده اند ۱. همانگونه که عطش شدید یا گرسنگی فراوان خلق و خوی شخص را تغییر داده و او را بهانه گیر و بداخلاق می کند ۲. بدین جهت است که اسلام سفارشات فراوانی بر آرایش و زیباسازی زن در محیط خانه و در مقابل شوهر دارد که برای نمونه به ذکر این روایت اکتفا می کنیم. علیها ان تطیبن باطیب طیبها و یلبس احسن ثیابها و تزين بأحسن زینتها و تعرض نفسها علیه غدوءه و عشیة. لازم است، زن، با بهترین رایحه ها- جالب ترین لباسها و زیباترین زینت هایش خود را بیاراید و صبح و شام با مرد خویش خلوت کند. طلاق و از هم پاشیدگی خانواده گرچه با دیدی ظاهریانه بر بهانه گیری و مشاجره و ناسازگاری در چند صباحی دلیلی دیگر ندارد. ولی با دیدی عمیقتر دلیل آن را باید در علل روانی ناسازگاری ها و مشاجرات جستجو کرد، و جلوه گری زنان و اختلاط نامعقول زن و مرد و کشیده شدن مسائل جنسی به صحنه اجتماع را به هیچ وجه نمی توان از این عوامل خارج دانست. چنانچه یک موسسه آمارگیری فرانسه اعلام کرده: « ۴۴؟ از طلاقها بر اثر انحرافات زن و مرد است » ۱. احکام الهی، بیش از آنکه به محدودیت لذتها بینجامد، به ماندگاری لذت ها و پایداری نشاط و خوشی ها می انجامد. از این رو اگر چه حجاب از یک سو برای خانم ها محدودیت و موجب خستگی و زحمت می باشد، اما از سوی دیگر اوج احساسات را سالم نگه می دارد، و عاطفه ها و محبت ها را در کانون خانواده متمرکز می سازد، و از فروپاشی بنیان خانواده جلوگیری می کند. ۱) مکتب اسلام سال ۷، شماره ۱، ص ۶۸.

۴- عواقب زیان بار و عقوبت های دردناک

از بین رفتن معنویات و غوطه ور شدن در مظاهر دنیوی و معیار قرار گرفتن مادیات در زندگی بشری و خزیدن در آلودگی ها علاوه بر اینکه ضربات ظاهر و محسوسی را بر شخص و اجتماع وارد می کند، پیامدهای نامحسوس دنیوی و عقوبتهای دردناک اخروی را بدنبال خواهد داشت. منظور ما از نامحسوس اینست که با یک جهان بینی مادی، نمی توان علل و ریشه های بعضی از گرفتاریها و مشکلات را پیدا نمود؛ لذا آن را با کلماتی همچون « سرنوشت » « شانس » و « اقبال » توجیه می کنند. ولی طبق اعتقادات محکم و مسلم ما، گناهان بلکه همه اعمال خوب و بد آدمی بر سرنوشت شخص و اجتماع تأثیر گذار است؛ و بخشی مهم از علتها را در نظام علت و معلولی جهان بخود اختصاص داده است. گرچه ما نتوانیم رابطه ای ظاهری بین این گناه و این پیامد ناگوار بیابیم، ولی این « وحی » است که پرده از این حقیقت برمی دارد؛ و ما را بر آن می دارد تا ریشه گرفتاریها و علت مشکلات را در عوامل مادی منحصر ندانسته و یا گرفتاریهای خود را به شانس و اقبال نسبت ندهیم، بلکه در جستجوی علت، به اعمال خویش رجوع کنیم. در سوره شوری می خوانیم « ما اصابکم مِنْ مُصِیْبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ اَیْدِیْكُمْ » آنچه از مصائب و ناملایمات به شما می رسد، به خاطر اعمالی است که خود انجام داده اید. در روایتی از پیامبر گرامی صلی الله علیه و اله وسلم آمده است که فرمود: این آیه بهترین آیه در قرآن مجید است. هر خراشی که از چوب بر تن انسان وارد می شود؛ و هر لغزش قدمی بر اثر گناهی است که از او سر زده است. آیات و روایات این حقیقت را آشکار می کند که بخشی از گرفتاریهای بشر بازتاب طبیعی و تکوینی اعمال اوست که دامن او را می گیرد. مولوی این واقعیت را چنین بیان می کند. در دعای شریف کمیل در ضمن مناجات و راز و نیاز با پروردگار عالم می گوئیم: اللهم اغفر لی الذنوب التي تغیر النعم اللهم اغفر لی الذنوب التي تحبس الدعاء اللهم اغفر لی الذنوب التي تنزل البلاء بارالها! بر من ببخشی

گناهانی را که نعمتهایت را از من می گرداند. بارالها! بر من ببخشای گناهانی را که مانع به اجابت رسیدن دعاهایم می گردد. بارالها! بر من ببخشای گناهانی را که بلاء و گرفتاری بر من فرومی ریزد. جهان کوه و فعل تو آمد ندا جزای تو بر فعل باشد صدا از این کوه کز فعل تو پر نداست صدا جز به وفق ندا بر نخواست به کوه آنچه گویی جز آن نشنوی به خاک آنچه کاری جز آن ندروی بی توجهی به حجاب که یکی از واجبات مسلم در دین اسلام است، و زیر پا نهادن این فرمان خدا که در چندین آیه از قرآن مجید به آن پرداخته، بی شک از این قانون مستثنی نیست؛ و نافرمانی از این دستور موجب بسیاری از گرفتاریها و رنج و غمها در محیط خانواده و اجتماع می باشد. گناه، علاوه بر ایجاد مشکلات و گرفتاریهای دنیوی، محرومیت از نعمتهای بیکران الهی در عالم جاودانه و ابتلا- به عذابهای دردناک و طاقت فرسای آن را در پی خواهد داشت. ما در اینجا تنها به ذکر یک نمونه از این عذابها که بر زبان پاک پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله وسلم جاری شده، بسنده می کنیم. فاطمه زهرا علیها السلام گوید: بر پدر بزرگوار خویش وارد شدم و آن حضرت را در حال گریه دیدم و از علت گریه پرسیدم. حضرت به صحنه ای دردناک از دوزخ و چگونگی عذاب گروهی از امت خود اشاره فرمود؛ و سبب آن را بیان کرد؛ از آن جمله در مورد زنی که موهای خود را از نامحرم نمی پوشاند فرمود او را در دوزخ به موهای خود در آتش آویزان می کنند. و در مورد خانمی که خود را برای مردان بیگانه زینت می کند فرمود: در دوزخ به خوردن گوشت تن خود دچار می شود. (۱۱) بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۵.

پوشش پسندیده

اشاره

مسئله حجاب هر چند از احکام ضروری اسلام به شمار می آید، و شیعه و سنی بر آن اتفاق نظر دارند. لکن با این حال به نظر می رسد، حدود دقیق آن در میان مردم به خوبی شناخته شده نیست؛ چه بسیار زنان با ایمانی که حجاب را امری ضروری و لازم می دانند، در حالی که خود پوشش تعریف شده اسلامی را ندارند. و چه بسیار بانوان پرهیزکاری که در صدد جلب رضایت الهی هستند و به تمامی احکام اسلام پایبندند و با دقت آنها را دنبال می کنند؛ ولی مفهوم حجاب شرعی را به خوبی نمی دانند. به همین جهت لازم است نظر اسلام را در مورد جزئیات این مسئله بیان کنیم. ما در این بخش اضافه بر آنچه به پوشش مربوط می شود، مواردی که رعایت آن در معاشرت با مردان ضروری است، ذکر می کنیم. و در این راستا فتاوی مراجع معظم تقلید را نیز متذکر می شویم.

۱- حدود پوشش: هر اندازه بدن پوشیده تر باشد، نقش نیرومندتری در دور سازی دیدگان نظاره گرایفا می کند. بر این اساس، لباس فراگیری که تمام بدن از موی سر تا روی پا را پوشاند و برجستگیهای اندام را حفظ کند، سفارش شده است. و به همین جهت چادر حجاب برتر است. زیرا بیشترین پوشش و مطمئن ترین مصونیت را به همراه دارد. ۲- کیفیت پوشش: پوشندگی لباس و کیفیت دوخت، بخش مهمی از حجاب را تشکیل می دهد. لباسهای نازک و بدن نما یا دارای مدلهایی جلب توجه کننده نمی تواند از مصادیق حجاب مطلوب شرعی باشد. حجاب باید به گونه ای باشد که شخص را از نگاه های هرزه و آلوده در امان بدارد. در یک کلمه پوشش نباید خود نوعی تبرج به حساب آید. ۳- رنگ ها: در مورد رنگ لباس، هرچند دستور الزامی خاصی وجود ندارد، ولی به طور مسلم رنگ لباس نباید موجب خیره شدن دیده ها گردد. از این رو زنان مسلمان به میل خود، لباس مشکی را برای حجاب خود ترجیح دادند. ۴- شیوه گفتگو و حرکت: وقار و متانت، نقشی به مثابه پوشش زن ایفا می کند. و در واقع باید گفت: «حرکات یک خانم مسلمان و طرز سخن گفتن او در برابر مرد باید هماهنگ با پوشش مذهبی، و نشانگر حیا و وقار او باشد». ۵- طبیعی بودن دست و صورت: در احکام دینی روایات متعددی در اهمیت آرایش برای همسر وارد شده است. و در مقابل تأکید فراوانی بر اجتناب از آرایش در برابر مردان نامحرم وجود دارد. مقداری از صورت و دستها که از قانون پوشش مستثنی است،

مربوط به حالت طبیعی دست و صورت است. اما در صورت استفاده از لوازم آرایشی باید آن عضو را از دید نامحرم دور نگاه داشت. استفاده از عطر نیز همین حکم را دارد.

چنداستفتاء ۱

۱- پوشش بدن برای زنان باید، چگونه باشد؟ همه مراجع (به جز آیه الله صافی): زن باید تمام بدن و موی خود را (به جز گردی صورت و دستها تا مچ) در برابر مرد نامحرم بپوشاند. آیه الله صافی: زن باید تمام بدن و موی خود را در برابر نامحرم بپوشاند و بنابر احتیاط واجب، باید دست و صورت را نیز بپوشاند. ۲- آیا زیر چانه نیز باید از نامحرم پوشانده شود؟ همه مراجع (به جز آیه الله سیستانی) آری، زیر چانه جزء گردی چهره نیست و باید در برابر نامحرم پوشانده شود. آیه الله سیستانی: آن قسمت از چانه و زیر چانه که در هنگام پوشیدن مقنعه به طور معمول پوشانده نمی شود، حکم گردی صورت را دارد. ۳- آیا پوشاندن پشت و روی پا در مقابل نامحرم واجب است؟ همه مراجع: (به جز آیه الله تبریزی و آیه الله مکارم) آری، باید آن را از نامحرم بپوشاند. آیه الله مکارم: خیر، واجب نیست، ولی بهتر آن است که بپوشاند. آیه الله تبریزی: پوشاندن روی پا تا مچ بنابر احتیاط واجب است. ۴- پوشیدن جوراب نازک چه حکمی دارد؟ همه مراجع: اگر ظاهر پا در آن پیدا باشد، پوشیدن آن جایز نیست. (طبق فتوای آیه الله مکارم جوراب نازک در صورتی که زینت محسوب شود جایز نیست) ۵- آیا عدم پوشش دختردایی، دختر عمه، دختر خاله و دختر عمو- که تأثیری در من ندارد- گناه است؟ همه مراجع: آری، گناه است و باید خود را بپوشاند و با سایر نامحرمان تفاوتی ندارند و نگاه شما بر مو و بدن آنان جایز نیست. ۶- پوشیدن لباسهای تنگ و تحریک کننده- که برجستگی های بدن زن در آن پیدا است- چه حکمی دارد؟ همه مراجع: پوشیدن این نوع لباسها (در فرض مذکور) جایز نیست و باید آنان را با چادر یا مانتوی مناسب و گشاد بپوشاند. ۷- چادر بهتر است یا مانتو؟ همه مراجع: برای زن کافی است که حجاب کامل (شرعی) را با هر لباس مناسبی، در برابر مرد نامحرم رعایت کند، ولی بی شک چادر به عنوان حجاب برتر (به ویژه در اماکن مذهبی) از ارزش والایی برخوردار است. ۸- چرا پوشش بانوان مشکی است، با اینکه پوشیدن لباس مشکی در اسلام مکروه است؟ آیات عظام امام، بهجت، تبریزی، صافی، فاضل، نوری و وحید: پوشیدن لباس سیاه هرچند مکروه است، ولی عبا از آن استثنا شده و چادر مشکی نیز داخل عنوان عبا است و مکروه نیست. آیات عظام سیستانی و مکارم: به طور کلی پوشیدن لباس سیاه مکروه نیست؛ افزون بر اینکه چادر مشکی داخل عنوان عبا است و عبا استثنا شده است. ۹- آیا پوشیدن کفش های صدادار برای بانوان اشکال دارد؟ همه مراجع: اگر باعث جلب توجه مرد نامحرم و مفسده شود، پوشیدن آن اشکال دارد. ۱۰- زیورآلات زن، اگر در معرض دید نامحرم باشد، چه حکمی دارد؟ آیات عظام امام، بهجت، صافی، خامنه ای، فاضل و وحید: باید از دید نامحرم پوشانده شود. آیات عظام مکارم و نوری: پوشاندن زیورآلات پنهانی (مانند دستبند، انگو و گردنبند) از دید نامحرم واجب است، ولی پوشاندن حلقه ازدواج و انگشتر، واجب نیست. آیه الله سیستانی: پوشاندن گردنبند از دید نامحرم واجب است؛ ولی پوشاندن انگو، دستبند، حلقه ازدواج و انگشتر واجب نیست. ۱۱- آیا برای زن جایز است که عطر بزند و از منزل بیرون رود؟ همه مراجع: خیر، جایز نیست. ۱۲- آیا سلام کردن مرد به زن نامحرم و زن به مرد نامحرم، جایز است؟ همه مراجع: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد. -----

(۱) استفتاءات از جلد ۱۸ و ۱۶ پرسشها و پاسخهای دانشجو اخذ شده

است.